فصلنامهٔ علمی ـ پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفدهم، پاییز ۹۶، شماره ۶۶
Social Welfare Quarterly, Vol 17, Fall 2017, No 66

بازنمائی کشمکشهای گفتمانی عدالت جنسیتی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران[1]

Representation of Discursive Conflicts of Gender Equity in Development plans of I.R. Iran

پروین علی‌پور*، محمدجواد زاهدی، امیر ملکی***، محمدرضا جوادی‌یگانه******

مقدمه: *نظام برنامه‌ریزی در ایران از گفتمانهای سیاسی و اجتماعی حاکم تأثیر می‌پذیرد و اینکه این گفتمانها چه جایگاهی برای سوژه‌ها و ابژه‌ها قائل باشند در برنامه‌های توسعه به‌صورتهای متفاوتی بازنمایی می‌شوند. ازجمله سوژه‌های بسیار مهم سوژه «زنان» است. برحسب اینکه سوژه زنان در گفتمان دولتهای کارگزارِ برنامه توسعه چه معنا و هویتی یابد، دال «عدالت جنسیتی» نیز به همان منوال در نظام برنامه‌ریزی منظور می‌گردد یا مسکوت می‌ماند. بدین ترتیب توجه یا بیتوجهی برنامه‌های توسعه به عدالت جنسیتی است که می‌تواند به برقراری آن یا تداوم نابرابری جنسیتی منجر شود.*

روش: *پژوهش با روش تحلیل گفتمان لاکلو و موفه به بازنمائی کشمکشهای گفتمانی عدالت جنسیتی در برنامه‌های توسعه پرداخته است.*

یافته‌ها: *برنامه‌های توسعه پس از انقلاب از حیث توجه به سوژه زنان از کشمکشهای گفتمانی جاری در عرصه سیاسی متأثر بوده است. تحلیلها نشان داد که در برنامه اول و دوم، عدالت آموزشی و دلالت ناکامل عدالت بهداشتی*

۱- برگرفته از رساله دکتری جامعه‌شناسی (گرایش مسائل اجتماعی ایران)، مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور

* دکتر جامعه‌شناس، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران
** دکتر جامعه‌شناس، دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)، <m_zahedi@pnu.ac.ir>
*** دکتر جامعه‌شناس، دانشگاه پیام نور
**** دکتر جامعه‌شناس، دانشگاه تهران

Parvin Alipoor[1], Mohammad Javad Zahedi[2]
Amir Maleki[1], Mohammad Reza Javadi Yeganeh [1]

Introduction: The planning system in Iran is influenced by the ruling political and social discourses, and that what place such discourses hold for subjects and categories is represented in development programs. Among the very important subjects is the subject of "women". According to the meaning and identity the subject of women has in the discourse of the executive states of the development, the signifier of "gender equity" is either considered to be the same as in the planning system or is left idle . Hence, it is the attention or inattention of the development programs to the gender equity that could lead to its establishment or continuation of gender inequity.

Method: Using the discourse analysis of Luclau and Mouffe, the representation of discursive conflicts of gender equity in the Development plans was investigated.

Findings: Development plans after the revolution, in terms of paying attention

1. Ph.D. in sociology
2. Ph.D. in sociology, <m_zahedi@pnu.ac.ir>

Archive of SID
www.SID.ir

مورد‌توجه بوده است. نشانگان «افزایش فرصتهای اشتغال زنان و ارتقاء شغلی آنان»، «توجه به ترکیب جنسیتی عرضه نیروی کار» و «ارتقای مهارتهای شغلی زنان» با دلالت بر مدلول «عدالت اقتصادی»؛ نشانگان «اصلاحات ضروری در امور حقوقی»، «تسهیل امور حقوقی و قضائی زنان»، «خدمات حقوقی»، «حمایت از حقوق زنان»، «بازنگری قوانین و مقررات» و «تمهیدات قانونی و حقوقی برای رفع خشونت علیه زنان»، نظام معنایی «عدالت حقوقی» در گفتمان اصلاحات را سامان می‌دهند؛ گزاره «برنامه‌ریزی برای تدوین برنامه آموزشی ارتقاء سلامت و شیوه‌های زندگی سالم»، دلالت ناکامل عدالت بهداشتی است و «دسترسی به فرصتهای برابر آموزشی» بازنمایی از «عدالت آموزشی» است که گفتمان توسعه سیاسی آن را در برنامه سوم و چهارم گنجانده است. در برنامه پنجم توسعه نشانگان «ارتقا سلامت زنان» و «تأسیس خانه سلامت دختران و زنان» به‌مثابه «عدالت بهداشتی» در نظر گرفته می‌شوند. اگرچه «توسعه و ساماندهی امور اقتصادی ـ معیشتی»، «عدالت اقتصادی» را بازنمائی می‌کند اما ازآنجاکه بر زنان سرپرست خانوار و آن‌هم بر مشاغل خانگی تأکید دارد تمام بار معنایی عدالت اقتصادی را دربر ندارد. گزاره‌های «تأمین آموزشهای موردنیاز متناسب با نقش دختران و پسران» و «تضمین دسترسی به فرصتهای عادلانه آموزشی به‌تناسب جنسیت» دلالت بر مدلول عدالت آموزشی داشته و بار معنایی آن را به‌طور کامل پوشش می‌دهند. همچنین تحلیل گفتمان عدالت جنسیتی در برنامه ششم توسعه نشانگر آن است که گفتمان حاکم بر برنامه ششم با نشانه محوری «عدالت جنسیتی» و با مدلولهای «فرصتهای شغلی»، «سلامت و بهداشت»، «باسوادی زنان»، «اصلاح نظام حقوقی (در حوزه

to the subject of women, have been by the ongoing discursive conflicts in the political arena. The analyses showed that in the first and second programs, educational justice and the imminent implication of health equity have been taken into consideration. The signs of "increase of occupation chances for women and their occupational promotion", "paying attention to gender combination of labor force supply", "promotion of women's occupational skills" by referring to signified of "economic equity"; and the signs of "essential reforms in legal affairs", "facilitating the legal and judicial affairs of women", "legal services", "protecting the women rights", "reviewing the rules and regulations" and "legal preparation for removing violence against women", organize the semantic system of "legal equity" in the reforming discourse. The "Planning for a Health Promotion and Lifestyle Health Education Program" statement is an inadequate indication of health equity and "access to equal educational opportunities " is a representation of "educational equity" which the discourse of political development has included it in the third and fourth programs. In the fifth program of development, the signs of "promo-

Archive of SID

www.SID.ir

خانواده)» و «مشارکت در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری» (نه فرصت برابری سیاسی) شکل گرفته است که این نشانه‌های معنایی به ترتیب دربرگیرنده عدالت اقتصادی، عدالت بهداشتی، عدالت آموزشی، دلالت ناکامل عدالت حقوقی و دلالت ناکامل عدالت سیاسی هستند.

بحث: با توجه به یافته‌ها می‌توان گفت که عدالت جنسیتی یکی از نشانگان معنایی گفتمانهای اصلاحات و اعتدال، با برداشت برابری به‌مثابه همانندی است و بدین ترتیب حساسیت جنسیتی برنامه‌های سوم، چهارم و ششم توسعه قابل‌توجه است. گویی محدودیتهای ساختاری، آنها را در معرض خصومتها و انتقادهای گفتمانهای رقیب قرار داده و مانع از اجرای کامل برنامه‌ها می‌شود.

کلیدواژه‌های: برنامه‌های توسعه، تحلیل گفتمان، عدالت جنسیتی، کشمکش گفتمانی

تاریخ دریافت: ۹۶/۱/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۶/۷/۱۸

tion of women's health" and "establishment of the House of Health for girls and women" are taken into consideration as "hygiene equity". Although "development and the organization of economic-subsistence affairs" represents the "economic equity", since it emphasizes the female-headed women and the household occupations, it doesn't contain the whole sense of economic equity. The statements of "supply of the required trainings appropriate to the role of boys and girls" and "guaranteeing the access to equal training opportunities appropriate to gender" refers to the signified educational equity and cover its sense totally. Also, the discourse analysis of gender equity in the sixth program of development indicates that the discourse ruling the sixth program of development is formed with pivotal signs of "gender equity" and with the signified "occupational chances", "health & hygiene", "literacy of women", "reform of legal system" (in the family domine) and "participation in decision-making and decision-taking"(not the opportunity of political equality). These semantic signs contain economic equity, hygiene equity, educational equity, the imperfect implication of legal equity and inadequate

مقدمه

به نظر جیمز گرانت[1] مدیر اجرایی وقت یونیسف (۱۹۸۰-۱۹۹۵)، حق اشتغال، حق امنیت اجتماعی، حق قانونی، حق مالکیت و حتی آزادیهای مدنی و سیاسی جملگی وابسته به یک سندروم‌اند که مردان و زنان را از یکدیگر متمایز می‌سازند و آن

1. James Grant

Archive of SID

www.SID.ir

political equity.
Discussion: Regarding the findings, it can be said that gender equity is one of the semantic signs of discourses of reform and moderation, with the conception of equality as analogy. . Hence, the gender sensitivity of the third, fourth and six programs of development should be considered, as if the structural limitations have exposed them to enmities and the critics of the rival discourses which prevents the programs from a complete implementation.
Keywords: discourse analysis, discursive conflicts, development plans, gender, gender equity

«سندروم نابرابری جنسیتی» است (هینز[1]، ۲۰۰۸). نابرابری جنسیتی بدین معناست که جایگاه زنان در مقایسه با جایگاه مردان در اکثر وضعیتها نه‌تنها متفاوت بلکه از آن کم‌اهمیت‌تر یا با آن نابرابر است (ریتزر[2]، ۲۰۱۱) و قدرت زنان برای ابراز وجود (نیازی که بین زن و مرد مشترک است) در مقایسه با مردان در موقعیت ضعیف‌تر و پایین‌تری قرار دارد (ریتزر، ۲۰۱۱). علت اصلی این نابرابری در دسترسی نابرابر زنان و مردان به منابع مختلف است و این موضوع مسئله بودن این نوع نابرابری را نمایان می‌سازد. اگر این اصل را بپذیریم که «کاهش نابرابری شرط توسعه است» (زاهدی، ۱۳۸۲، ۱۳۹۵) مانع بودن نابرابری جنسیتی در ایجاد توسعه و گسترش آن را بهتر می‌توان به‌عنوان مسئله درک کرد. گویی هیچ کشوری قادر نیست بدون توجه به زنان به‌مثابه نیمی از سرمایه‌های انسانی خود قدم در راه توسعه بگذارد؛ اما برخلاف این رویکرد، حوزه زنان در ایران در دهه چهارم پیروزی انقلاب اسلامی و باوجود اجرای پنج برنامه توسعه‌ای و در نیمه‌راه اجرای سند چشم‌انداز بیست‌ساله نظام، از انواع عدم تعادلها متأثر بوده و زنان در تمام جنبه‌های زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی به‌وضوح آثار، تبعات و پیامدهای آن را درک و لمس می‌کنند. علاوه بر این پیشرفت زنان در عرصه‌های مختلف مانند آموزش و بهداشت و مشارکت اقتصادی و سیاسی به یک اندازه نبوده و نوعی

1. Haynes
2 . Ritzer

Archive of SID
www.SID.ir

عدم توازن در دسترسی زنان و مردان به فرصتها و منابع به چشم می‌خورد و زنان بیشتر به فرصتهای اجتماعی و فرهنگی و مردان بیشتر و با تفاوت معنی‌داری به فرصتها و منابع اقتصادی و سیاسی دسترسی دارند (سند برنامه ششم توسعه، ۱۳۹٤). زنان ایرانی وارد عرصهٔ عمومی شده‌اند؛ ولی امکانات عرصهٔ عمومی برای هر دو جنس یکسان نیست؛ از ساده‌ترین سطوح یعنی امکانات تفریحی و ورزشی گرفته تا اشتغال و درآمد و البته تبعیضهای حقوقی نیز بر مشکل افزوده است (جلائی‌پور، ۱۳۹۲).

از طرف دیگر با نگاهی به آخرین گزارش مجمع جهانی اقتصاد[1] (۲۰۱٦) شاخص عدالت جنسیتی در ایران از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. ایران در شکاف جنسیتی، نمره ۰/۵۸ را کسب کرده و در رتبه ۱٤۱ جهان قرار دارد (آخرین رتبه جهانی مربوط به کشور یمن با رتبه ۱٤۵ است) که نسبت به گزارش قبلی (۲۰۱۵) با رتبه ۱۳۷ جهانی، چهار پله افت داشته است. شکاف بدین حد را می‌توان یک مسئله اجتماعی جدی و اساسی تلقی کرد.

در این میان آنچه به نظر می‌رسد که مانع تحقق عدالت جنسیتی در ایران است، این مسئله است که جنسیت ساختار ایدئولوژیکی پیدا کرده است که افراد جامعه را به دوطبقه مرد و زن، آن‌هم بر اساس رابطه سلسله مراتبی فرادست و فرودست تقسیم می‌کند. خصلت هژمونیک ایدئولوژی جنسیتی در آن است که کاملاً مسلط به نظر نمی‌رسد بلکه با مقبولیت و پذیرش اجتماعی همراه است و این تسلط همراه با پذیرش اجتماعی از طریق ابزارهای گفتمانی صورت می‌گیرد بهویژه به طریقی که مفروضات ایدئولوژیکی بهطور مداوم تصویب و با گفتمان بهصورت امری طبیعی و عمومی تداوم می‌یابد و در نهادهای جامعه و کردارهای اجتماعی از نو تجدید پیدا کرده و واسطهٔ فرد و نظم اجتماعی می‌شود(لازار[2]، ۲۰۰۷). از سوی دیگر تولید و بازتولید ایدئولوژی جنسیتی با این موضوع ارتباط دارد که نظام

1. World Economic Forum
2. Lazar

Archive of SID

www.SID.ir

برنامه‌ریزی در ایران فاقد جهت‌گیری برابری جنسیتی است و نسبت به مسئله جنسیت کور است. در برنامه‌ریزی توسعه کشور به حد کفایت به نیازهای زنان توجه نشده است. بلکه به‌عکس به نظر می‌رسد این اندیشه نادرست بر نظام برنامه‌ریزی حاکم است که مردان و زنان نیازهای یکسانی دارند و زنان هم می‌توانند از تسهیلات و امتیازات پیش‌بینی‌شده در برنامه به همان اندازهٔ مردان بهره‌مند شوند. استراتژیهای رایج هم نتوانسته‌اند چنان‌که بایدوشاید هم به زنان و هم به مردان خدمت کنند و به نظر می‌رسد بیشتر به سود مردان تمام می‌شوند. برنامه‌های توسعه، باید چارچوبی را برای توسعه امور فردی، خانوادگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و زمینه‌های قانونی دیگر زنان فراهم آورند و برخورداری زنان را نسبت به برابری و مشارکت اجتماعی تضمین کنند. برنامه توسعه باید انعکاس حمایت قانون‌گذاران کشور نسبت به زنان باشد. چراکه بهبود وضعیت زنان به‌طور مستقیم و نا مستقیم در پیشرفت جامعه نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و هیچ کشوری قادر نیست بدون توجه به زنان به‌عنوان نیمی از سرمایه‌های انسانی خود گامهای اساسی و مهمی درزمینهٔ توسعه بردارد ازاین‌رو لازم است که نظام برنامه‌ریزی به مسائل زنان و عدالت جنسیتی حساس باشد.

باید توجه داشت که برنامه‌های توسعه خود از رویکردها و گفتمانهای رسمی مطرح و تولید شده از طرف دولتها در جامعه تبعیت می‌کنند. گفتمانهایی که ریشه در زبان دارند. توجه به این نکته ضروری است که بر طبق دیدگاه صاحبنظرانی چون فردیناند سوسور[1] (۲۰۰۱)، لودویگ ویتگنشتاین[2] (۲۰۰۱)، میشل فوکو[3] (۱۹۶۹)، یورگن هابرماس[4] (۱۹۸۷)، پیر بوردیو[5] (۱۹۹۱)، لاکلاو و موفه[6] (۱۹۸۵) و نیز فرکلاف[7] (۱۹۹۵) زبان در شکل‌بخشی به روابط اجتماعی و ایجاد و تثبیت ساختارها از اهمیت اساسی برخوردار است. زبان بنا بر عقیده نظریه‌پردازانی چون فوکو و هابرماس در تولید و بازتولید جامعه و ساخت روابط قدرت نقش

1. Ferdinand de Saussure
2. Ludwig Wittgenstein
3. Michel Foucault
4. Jürgen Habermas
5. Pierre Bourdieu
6. Laclau and Mouffe
7. Norman Fairclough

Archive of SID

www.SID.ir

محوری دارد (ریتزر، ۲۰۱۱) از طرف دیگر فرکلاف (۱۹۹۵) معتقد است که زبان درعین‌حال که سازندهٔ هویتهای اجتماعی، روابط اجتماعی و نظامهای دانش و باورهاست، توسط آنها نیز ساخته می‌شود. شکی نیست که برنامه‌های توسعه خود از گفتمانهای دولتهای کارگزار و به‌تبع آن از کشمکشهای گفتمانی میان آن تبعیت می‌کنند. ازاین‌رو با توجه به اینکه مقوله‌های «زن» و «عدالت جنسیتی» در چه حوزهٔ گفتمانی (رسمی دولتی) قرار گرفته باشند، معانی و هویتهای متفاوتی پیدا می‌کنند، همین معانی متفاوت است که در نظام برنامه‌ریزی تبلور می‌یابد و به‌نوبهٔ خود بر برقراری عدالت جنسیتی یا تداوم نابرابری جنسیتی اثر می‌گذارد. در همین راستا مقاله حاضر ضمن بررسی کشمکشهای گفتمانی میان گفتمانهای کارگزار برنامه‌های توسعه به تحلیل گفتمانِ عدالت جنسیتی در برنامه‌ها پرداخته و می‌کوشد به این سؤال اساسی پاسخ دهد که در متن برنامه‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی در ایران چه معناهایی از عدالت جنسیتی تثبیت و برجسته شده‌اند؟

چارچوب مفهومی

به تعبیر رایج در فلسفه سیاسی، عدالت مسئله‌ای است که در سطح نهادهای اجتماعی مطرح است. راولز[1] به‌مثابه فیلسوفی سیاسی به دنبال عدالت به‌مثابه کارویژه نهادهای اجتماعی و سیاسی است نه صفت انسان و اعمال او. بنابراین عدالت با متغیر قدرت و نحوه اعمال آن نیز سروکار دارد. منظور از عادلانه بودن نهاد اجتماعی این است که در چارچوب این نهادها حقوق و مسئولیتها، قدرت و اختیارات، مزایا و فرصتهای وابسته به آن عادلانه توزیع شود (راولز، ۱۹۹۹) به اعتبار این تعبیر، می‌باید به موضوع مهم تمایزهای اجتماعی و نابرابریهای برآمده از آن توجه ویژه‌ای داشته باشیم. یکی از این تمایزهای شناخته‌شده و پر سابقه، تمایز جنسیتی است.

1. Rawls

Archive of SID

www.SID.ir

عدالت جنسیتی به عدالت در نتایج زندگی[1] برای زنان و مردان اشاره دارد و به فراتر از برابری فرصتها می‌اندیشد. این مفهوم بر علایق، ترجیحات و نیازهای متفاوت زنان و مردان تأکید دارد و نیاز به بازتوزیع قدرت و منابع را اساسی می‌داند (ریویز و بادن.[2]، ۲۰۰۰).

کنشگران توسعه عدالت جنسیتی را معادل «توانمندی زنان» در نظر می‌گیرند (کبیر[3]، ۲۰۱۰). در این چارچوب عدالت جنسیتی، توانمندسازی یا توانمندشدن زنان در ابعاد اقتصادی، اجتماعی ـ فرهنگی، خانوادگی / میان فردی، قانونی و سیاسی است که برای هر یک از این ابعاد مؤلفه‌هایی جهت سنجش ارائه شده است. مؤلفه‌های بعد اقتصادی عبارت‌اند از حضور در مشاغل دارای حقوق بالا، مدیرعاملی زنان، اعمال منافع اقتصادی حضور، زنان در سیاست‌گذاریهای کلان اقتصادی، بودجه‌های ایالتی و مرکزی، در بعد اجتماعی–فرهنگی؛ باسوادی زنان و دسترسی به امکانات گسترده‌تر تحصیلی، وجهه رسانه‌ای مثبت زنان، نقشها و مشارکتهای آنان، در بعد خانوادگی/ میان فردی؛ روندهای منطقه‌ای/ملی در مورد تعیین زمان ازدواج، حق طلاق، حمایت سیاسی، قانونی و مذهبی برای چنین جهت‌گیریهایی (نبود ضدیت فعالانه با آن)، سیستمهای ایجادکنندهٔ دسترسی زنان به وسایل پیشگیری از بارداری، سقط‌جنین ایمن و خدمات بهداشتی تناسلی، در بعد قانونی؛ حمایت قوانین از زنان، دسترسی به منابع و حق انتخاب، ترویج حقوق و قوانین، استفاده از دستگاه قضایی برای جبران خسارت خشونت، در بعد سیاسی؛ نمایندگی زنان در واحدهای حکومتی، صاحب قدرت بودن به‌عنوان اتحاد رأی‌دهندگان و در نظر گرفتن منافع زنان در تصمیم‌گیریهای سیاسی (مالوتره و همکاران، ۱۳۸۹).

در همین راستا برای تحقق عدالت جنسیتی دو رویکرد کلی در برنامه‌ریزی توسعه‌ای مطرح است: ۱) رویکرد بی‌طرفی جنسیتی: که در آن برنامه‌های توسعه فاقد نگاه جنسیتی‌اند.

1. life outcomes
2. Reeves and Baden
3. Kabeer

Archive of SID

www.SID.ir

در چنین برنامه‌هایی تفاوتی میان زن و مرد در مشارکت و برخورداری از منافع برنامه توسعه وجود نداشته و فاقد هرگونه مواد قانونی خاص زنان است؛ و ۲) رویکرد حساسیت جنسیتی: در این رویکرد، برنامه‌های توسعه با دیدگاه جنسیتی و برابرگرایانه متناسب با شرایط کشورها تنظیم شده و حتی گاه با هدف کاهش تبعیضها و نابرابریهای جنسیتی، برنامه توسعه‌ای خاص جمعیت زنان تدوین می‌شود. ارزیابی عملکرد برنامه‌ها و پیشرفت زنان در چنین برنامه‌هایی، بر اساس شاخصهای خاص بهبود وضعیت زنان تعیین می‌شود (شادی‌طلب، ۱۳۸۱).

این رویکردها هر یک به نحوی در قالب سه گفتمان فمینیستی لیبرال، رادیکال و پست مدرن؛ برای رسیدن به جامعه‌ای عاری از سلطه جنسیتی و نابرابری ناشی از آن، مطرح شده‌اند. این چشم‌اندازها اشاره به ادخال، براندازی و جایگزینی دارند که هر یک به ترتیب، بر اصول برابری، تفاوت و دگرگونی دلالت دارند (ورلو و لامباردو[1]، ۲۰۰۷)

الف) برابری به‌عنوان همانندی: جنسیت هیچ ارتباطی با تخصص و اعمال حقوق و وظایف ندارد. هر فرد بدون توجه به جنسیتش بایستی به حقوق و فرصتهای برابر دسترسی داشته باشد. باید با زنان و مردان طبق اصول، هنجارها و معیارهای یکسان عمل شود (گفتمان فمینیسم لیبرال).

ب) تفاوت و واگرایی: این رویکرد با استدلال ذات‌گرایانه معتقد است که تفاوتهای بنیادی بین زن و مرد بلامنازع و تغییرناپذیر است. زنان باید به هویت جدیدی دست یابند و برحسب تعریف عمل خویش دریابند که کیستند (گفتمان فمینیسم رادیکال).

ج) تحول و جایگزینی: این رویکرد معتقد است که نه فقط محرومیت و طرد زنان و یا تسلط هنجارهای مردانه بلکه خود جهان جنسیتی شده نیز باید پروبلماتیک شود. راه حل پیشنهادی فرا رفتن از دو راهی موهوم «برابری در مقابل تمایز» به وسیله ساخت‌شکنی از گفتمانهای سیاسی است که نابرابری را تولید می‌کنند (گفتمان فمینیسم پست‌مدرن).

1. Verloo and Lombardo

Archive of SID

www.SID.ir

روش

تحقیق حاضر با روش تحلیل گفتمان لاکلو و موفه، که یک بسته نظری و روشی است، انجام شده است. نظریه گفتمان لاکلو و موفه «مجموعه‌ای از مفاهیم و گزاره‌های تحلیلی-نظری و به تعبیر فوکویی چارچوبهای تاریخی و زمینه محور برای تحلیل صورتبندیهای گفتمانی است» (تورفینگ[1]، ۱۹۹۹). بر اساس این نظریه کل حوزهٔ اجتماعی، شبکه‌ای از فرآیندها به شمار می‌آید که معنا درون آن خلق می‌شود. از این منظر تحلیل گفتمان قصد دارد نشان دهد که از طریق کدام فرآیند کوشش می‌کنیم تا معنای نشانه‌ها را تثبیت کنیم و کدام فرآیند موجب می‌شود که در برخی تثبیتها معانی به چنان امر معمولی بدل شوند که آنها را پدیده‌ای طبیعی به شمار آوریم (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹٤). ازاین‌رو بازتولید معنا و تغییر نحوهٔ انتساب معنا اعمال سیاسی‌اند. سیاست به رفتاری اشاره دارد که طی آن پیوسته امر اجتماعی را به گونه‌ای برمی‌سازیم که سایر شیوه‌ها را طرد کند. نقطهٔ عزیمت اینجا در مفهوم «سوژه» نهفته است. اینکه سوژه چگونه فراخوانده شود به گفتمانهای مطرح بستگی دارد. سوژه خودآیین نیست بلکه گفتمان (گفتمانها) آن را تعیین می‌کند. سوژه چندپاره است بدین معنی که فقط به یک شکل و صرفاً یک گفتمان در یک موقعیت واحد قرار نمی‌گیرد بلکه گفتمانهای مختلف موقعیتهای متفاوتی به آن نسبت می‌دهند. از طرف دیگر سوژه تعیین‌ناپذیر است یعنی گفتمانهای متعارض، او را در موقعیتهایی قرار می‌دهند که باعث ایجاد تضاد می‌شوند. اگر تعارضی وجود نداشته باشد نشان از فرآیند هژمونیک است به سخن دیگر اینکه برخی موقعیتهای سوژه‌ای تعارض بارزی با سایر موقعیتها ندارند ناشی از فرآیندهای هژمونیک است. سوژه پیوسته تلاش می‌کند تا با توسل به گفتمانها «خود را پیدا کند» و هویت خود را بسازد و با تعریف لاکانی هویت، با چیزی خود را همذات‌پنداری کند. این چیز همان موقعیتهایی است که گفتمانها در اختیار فرد قرار می‌دهند و بدین ترتیب

1. Torfing

Archive of SID

www.SID.ir

دالهای اصلی مطرح می‌شود که گره‌گاههای (نشانه ممتاز) هویت است. در روش تحلیل گفتمان لاکلو و موفه «سامانهٔ نشانگانی یا مفصل‌بندی هر گفتمان، به گرد دال کانونی‌اش نظام می‌یابد. در این سامانه نشانگان و مفاهیم مانند حلقه‌های یک زنجیر عمل می‌کنند. هر حلقه دارای وزن و بار اختصاصی خود است. در این میان حلقه‌ای که دارای بیشترین اهمیت و تأثیر است، نشانهٔ مرکزی خوانده می‌شود. مبنای شناسایی دال کانونی امری گفتمانی است که مبنای انسجام و هماهنگی میان این دال و لحظه‌ها بوده و دالهای دیگر بر اساس ارتباطی که با آن برقرار می‌کنند و پیوندی که شکل می‌گیرد، تعریف می‌شوند. این نشانه، مبنای اصلی سامان‌یابی یک خوشهٔ نشانه‌شناختی است و کلیت یک منظومهٔ گفتمانی بیش از هر چیز با ارجاع به آن فهم می‌شود. این دال، در صورت تمهید سنجیده و بهینه، با انتساب به دالها و مدلولها و مصادیق دیگر، مبنایی فراهم می آورد برای هویت‌یابی گفتمان خودی، بی‌قراری گفتمانهای هم‌آورد و به حاشیه‌رانی گفتمان هژمون. دیگر نشانه‌ها و مفاهیم یک گفتمان به دور این دال کانونی می‌گردند» (رضائی‌پناه و شوکتی‌مقرب، ۱۳۹٤).

مقوله عدالت جنسیتی نمونه‌ای از یک دال اصلی است و گفتمانهای مختلف محتوای متفاوتی به این دال می‌بخشند. این امر بنا به نظریه لاکلو و موفه (۱۳۹۳) از طریق پیوند دادن دالها در قالب زنجیره‌های هم‌ارزی انجام می‌گیرد که هویت را بر اساس نسبتش با دیگران ایجاد می‌کند. برساخت گفتمانی «عدالت جسیتی» به دقت مشخص می‌کند که «عدالت جنسیتی» با چه چیزهایی هم ارز و معادل و با چه چیزهایی متفاوت است در اینجا غیریت‌سازی نقش اصلی را ایفا می‌کند. هر گفتمانی ضرورتاً نیاز به گفتمان رقیب دارد تا به واسطهٔ آن هویت یافته و نظام معنایی خود را بر اساس آن تنظیم کند. هیچ جامعهٔ یکدستی را نمی‌توان یافت که در آن فقط یک گفتمان حاکم باشد. هر گفتمانی به منظور هویت یافتن به ناچار شروع به تولید دشمن برای خود می‌کند. دوگانه شکل گرفته «ما» و «آنها» به‌صورت برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی در کردار و رفتار سوژه نمایان می‌شود. «ما» برجسته

Archive of SID

www.SID.ir

شده و «آنها» به حاشیه رانده می‌شوند. بنابراین هویت‌یابی به واسطهٔ غیریت‌سازی و غیریتها به کمک برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی شکل می‌گیرند (اقتباس از سلطانی، ۱۳۸٤). ازاین‌رو هرگز نمی‌توان سیر تطور و تحول یک گفتمان یا نظام معنایی آن را مورد بررسی قرار داد مگر آنکه آن را در مقابل رقیب یا غیر قرار داد. نهایتاً در نظریه لاکلو و موفه هدف فهم و روشن کردن ظهور و منطق گفتمانها و هویتهای برساخت‌شدهٔ اجتماعی است که آنها به کارگزاران اجتماعی اعطا می‌کنند و همچنین فهم امر اجتماعی است به مثابه برساختی اجتماعی. بنابراین با استفاده از ابزارهای گفتمانی هر پدیدهٔ اجتماعی را می‌توان تحلیل کرد. ایدهٔ کلی در این دیدگاه این است که پدیده‌های اجتماعی هرگز تام و تمام نیستند. معانی هیچگاه نمی‌توانند برای همیشه تثبیت شوند و این امر راه را برای کشمکشها و چالشهای دائمی اجتماعی بر سر تعاریف و هویت باز می‌گذارد که خود تأثیرات اجتماعی به دنبال دارد.

واحدهای مورد مطالعه تحقیق حاضر متن کامل برنامه‌ها است که از داخل آن به روش نمونه‌گیری نظری، واحدهایی که به مسئله پژوهش حاضر مربوط بودند به روش هدفمند شناسائی و انتخاب شدند. همان‌طور که پیشتر اشاره شد برای تحلیل گفتمان عدالت جنسیتی در برنامه‌های توسعه «عدالت جنسیتی» به‌مثابه دال مرکزی قلمداد می‌شود که در قالب نشانه‌های معنایی چون عدالت اقتصادی (ارتقاء مشارکت اقتصادی زنان، فرصتهای برابری اشتغال و برابری درآمد برای کار یکسان)؛ عدالت آموزشی (دسترسی برابر آموزشی دختران و پسران)؛ عدالت حقوقی (حمایت قوانین از زنان، رفع تبعیضات حقوقی علیه زنان، حق انتخاب، وضع قوانین منع خشونت علیه زنان)؛ عدالت سیاسی (فرصتهای برابر زنان و مردان برای حضور در عرصه‌های سیاسی) و عدالت بهداشتی (دسترسی عادلانه به خدمات بهداشتی)؛ تبیین شده‌اند. باید توجه داشت که عدالت جنسیتی پیوستاری است که از عدالت آموزشی شروع و در نهایت به عدالت سیاسی ختم می‌شود.

برای کشف نظام معنایی عدالت جنسیتی در برنامه‌های توسعه بدین ترتیب عمل شده

Archive of SID

www.SID.ir

است: ۱) مطالعه متون برنامه‌ها ۲) با توجه به ساختار استدلالی که از طریق متن مطرح می‌شود گزاره‌های گفتمانی استخراج می‌شوند؛ ۳) شناسائی دال مرکزی از میان گزاره‌های گفتمانی خوشه‌بندی شده (دال مرکزی دالی است که در متن به‌صورت دال بنیادی بازنمائی می‌شود) در اینجا بنا به قاعده اپوخه تجربه‌های پیشین خود را به کنار می‌نهیم؛ ٤) شناسائی مدلولهای دال مرکزی از میان گزاره‌های گفتمانی ۵) مفصل‌بندی نظام معنایی عدالت جنسیتی در برنامه تحت مطالعه؛ بدین ترتیب معنای ساخته‌شده از عدالت جنسیتی کشف و مدلول(های) خالی و به حاشیه رانده شده از عدالت جنسیتی نیز شناسائی می‌شوند. مدلولهای خالی هر یک از برنامه‌ها کاستیهای آنها را بازنمائی و نشان می‌دهد.

یافته‌ها

کشمکشهای گفتمانی دولتهای کارگزار برنامه‌های توسعه

انقلاب اسلامی، بسیار بیشتر از همتای سلف خود یعنی انقلاب مشروطیت، زمینه‌ساز گسست جدی معناشناختی و ایدئولوژیک در سامان سیاسی–اجتماعی ایران شد. از رهگذر این انقلاب اجتماعی، خطوط و مرزهای ایدئولوژیک و بافتارهای هویتی و دگرسازانه مورد بازبینی بنیادین قرار گرفت. جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان نظام سیاسی–اجتماعی برآمده از دل این انقلاب، از عصر ظهور و برآمدن تا به امروز شاهد پیدایی خرده‌گفتمانهای سیاسی متفاوتی هم گام با اوج‌گیری ایدئولوژیهای چیره در ساختار خود بوده است. در واقع جمهوری اسلامی ایدئولوژیهای کلانی (ابرگفتمان/پارادایم) دارد که درون آن ایدئولوژیهای خردتری (خرده‌گفتمان/خرده‌پارادایم) امکان حیات و نقش‌آفرینی یافته‌اند. هر کدام از این ایدئولوژیها، خرده‌فرهنگهای سیاسی ویژهٔ خود را تولید و بازتولید کرده و درعین‌حال از آن متأثر بوده، به بازسازی ساختارهای زبانی و گفتمانی دست زده و به القای مفاهیمی در

Archive of SID

www.SID.ir

بسترهای اجتماعی‌شان پرداخته‌اند. این امر، در برهمکنش مستقیم ساخت سیاسی با بستر اجتماعی صورت گرفته است. ابرگفتمان اسلام سیاسی یا اسلام فقاهتی در جمهوری اسلامی ایران میراثی است درازدامن که سیر تکوین آن به گونه‌ای عینی و جدی از دوران صفوی آغاز و در دوران قاجار (به‌ویژه عصر مشروطیت) و پهلوی تکوین یافته است. خرده‌گفتمانهای هژمون‌شده در درون این ابرگفتمان و پارادایم معنایی، تقسیم‌بندیهایی است که بر سر میزان و کیفیت سهم‌دهی به مؤلفه‌ها، ارکان، نشانگان و مفاهیم این ساختار صورت گرفته است (رضائی‌پناه و شوکتی‌مقرب، ۱۳۹٤).

در سالهای آغازین تثبیت جمهوری اسلامی، گفتمان اسلام‌گرا (در چارچوب گفتمان چپ اسلامی)، پس از به حاشیه‌رانی گفتمانهای لیبرال، ملی‌گرا و چپ (مارکسیستی و التقاطی) هژمون شد. اساساً مجموعهٔ گفتمانهایی که در حال مبارزه با یک گفتمان حاکم‌اند، هویت خود را بر اساس غیریت‌سازی با گفتمان حاکم به دست می‌آورند. به سخن دیگر، گفتمان پهلویسم غیرمشترک با همهٔ گفتمانهای چپ و سنتی بود و منبع هویت‌یابی چپ و سنتی، تخاصم و کشمکشِ آنها با گفتمان پهلویسم، بود. اما به مجرد اینکه گفتمان حاکم طرد می‌شود و گفتمانهای رقیب امکان هژمونیک شدن می‌یابند این خرده‌گفتمانها برای هویت‌یابی شروع به غیریت‌سازی در میان خود می‌کنند. در این میان، گفتمانهای قوی‌تر که قابلیت دسترسی، مشروعیت و اعتبار بیشتری برای معناسازی دارند، گفتمانهای ضعیف‌تر را حذف و طرد می‌کنند. ازاین‌رو گفتمان انقلاب اسلامی بعد از فروپاشی گفتمان پهلویسم تدریجاً غیرهای خارجی (بلوک شرق و غرب) و داخلی متفاوتی را شکل داد (سلطانی، ۱۳۸٤). از این زمان دگرسازیها از سطح برون‌گفتمانی به سطح درون‌گفتمان انتقال یافت. این امر بیشتر بعد از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به‌صورت زایش دو رویکرد متفاوت میانه‌رو ـ عمل‌گرا و در رده‌ای حاشیه‌ای‌تر، اصلاح‌طلب، در کنار خوانش ارتدوکس و بنیادین مسلط گفتمان

Archive of SID

www.SID.ir

انقلاب اسلامی، نمایان گشت. دولت پنجم و ششم (کارگزار برنامه اول و دوم توسعه) با گفتمان سازندگی و در رویکرد میانه‌رو ـ فن‌سالار خود بر بازسازی، سازندگی، توسعه و پیشرفت اقتصادی تأکید داشت. یکی از دالهای شناوری که در دوران تسلط گفتمان سازندگی به حوزه گفتمان‌گونگی طرد شده بود و زیر سایه سنگین توجه غالب به رشد اقتصادی به محاق رفته بود، دال مشارکت و توسعه سیاسی بود. هژمونی گفتمان سازندگی توسط سوژگان سیاسی طبقه متوسط که خواهان آزادیهای سیاسی بودند به چالش کشیده شد و بدین ترتیب نگاه در دورهٔ هشت‌سالهٔ دولتهای هفتم و هشتم (کارگزار برنامه سوم و چهارم توسعه) با ارائه گفتمان اصلاحات به مسائل توسعه سیاسی و اصلاحات معطوف شد. این نگاه در دولتهای نهم و دهم (کارگزار برنامه پنجم توسعه) [به زعم کارگزاران آن] در قالب گفتمان اصول‌گرای رادیکال، به مسئله نابرابری اجتماعی و برقراری عدالت تغییر یافت. برخی این گفتمان را گفتمان اصول‌گرای عدالت‌خواه نیز می‌خوانند. اما به اعتقاد نگارندگان، عدالت دال مرکزی این گفتمان سیاسی نبوده است بلکه دالی که نشانگان معنایی این گفتمان را حول خود سامان می‌داد نشانه استکبارستیزی (مقاومت) بود که با رگه‌هایی از رادیکالیسم همراه بود. گفتمان اصول‌گرا به مثابه گفتمان متخاصم اصلاح‌طلبی [و حتی سازندگی] از سویی با سازوکارهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری[1] و با هماهنگی دقیق یکی بعد از دیگری فعالیتهای گفتمان اصلاحات را خنثی کرده به دنبال چیرگی بر جامعه و ساخت حقیقت مورد قبول توده‌ها بود تا از این رهگذر قدرت را به دست گیرد و از سوی دیگر «حجم انتظاراتی که اصلاح‌طلبان در بدو ورود، در افکار عمومی ایجاد کرده بودند، بسیار بیشتر از دست‌آوردهایی مانند راه‌اندازی شوراها بود. همه آن انتظارات گسترده‌ای که هم خودبه‌خود در نتیجه فضای سیاسی پیش از ورود اصلاح‌طلبان و هم به خاطر شعارهای خود اصلاح‌طلبان به وجود آمده بود، وقتی با شکستهای پی‌درپی به دلیل مقاومتها و حملات متقابل محافظه‌کاران مواجه شد،

۱. برای پی بردن به این سازوکارها رجوع شود به سلطانی، ۱۳۸۳

Archive of SID

www.SID.ir

حاصلی جز ایجاد یأس و ناامیدی در میان هواداران اصلاح‌طلبان که در ابتدا بخش عمده‌ای از اجتماع را تشکیل می‌دادند، نداشت. نتیجهٔ این یأس و ناامیدی همان ساختارشکنی است. وقتی دالی ساختارشکسته می‌شود، در واقع اجماع عمومی بر سر معنای آن از بین می‌رود. این یأس و ناامیدی برای تحقق اصلاحات سیاسی و دست‌یابی به توسعه سیاسی، منجر به ساختارشکنی دال مهم گفتمان اصلاحات، یعنی توسعه سیاسی، شد» (سلطانی، ۱۳۸۳). بدین ترتیب گفتمان اصول‌گرایی ضمن به کنترل گرفتن ذهنیت، گفتار و رفتار سوژه‌ها، کل حوزهٔ اجتماع را در سیطره خود گرفت (تعبیر فوکو از گفتمان) و منجر به فروپاشی هژمونی گفتمان اصلاح‌طلب و پیدایش بحران معنایی آن شد. در مقابل در انتخابات ۱۳۹۲ گفتمان اعتدال با مفصل‌بندی و معنادهی به نشانه‌های مغفول مانده گفتمان پیشین (اصول‌گرای رادیکال) و به واسطه از جاکندگی (بی‌قراری) و حاشیه‌رانی گفتمان هژمون (اصول‌گرای رادیکال) توانست بر پهنه سیاسی ایران مسلط و هژمون شود. به یک معنا اعتدال‌گرایی پیوندهای زیادی با گفتمان اصلاحات دارد اما سیاستی دیگر است. «اعتدال‌گرایی نوعی گفتمان پساگفتمانی است؛ پسااصلاح‌طلب و پسااصول‌گرایی که متفاوت از قرار گرفتن در میانه دو موضع سیاسی موجود است. اعتدال گفتمان فرارفتن‌هاست نه گفتمان میانه‌ها؛ فرارفتن از دوقطبیهای موجود که متفاوت از یافتن میانه‌ای در دو سر طیف اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی است» (رضائی، ۱۳۹۳). کم و بیش مشابه «سیاست راه سوم» که گیدنز (۱۳۸۶) مطرح کرده است. بدین ترتیب تعدد گفتمانی حاصل شده، نتیجه تنوع مفصل‌بندیها از دالهای مختلف با نقاط مرکزی متفاوت است و همان‌طور که پیش‌تر گفته شد این گفتمانها با قرار گرفتن در سایهٔ ابرگفتمان انقلاب اسلامی (گفتمان سنتی تعدیل‌شده در تخاصم با گفتمان سنت و تجدد به‌عنوان گفتمانهای پیشین آن) موضوعیت پیدا می‌کنند. این خرده‌گفتمانها با ارائهٔ نگاه ویژهٔ خود نسبت به دالهای تثبیت‌شدهٔ گفتمان انقلاب اسلامی تعریف خاص خود را از این ابرگفتمان ارائه می‌کنند. از منظر نظریه گفتمان لاکلو و موفه ابرگفتمان حاکم به‌مثابه کلیتی است معنادار

Archive of SID

www.SID.ir

که تکثر و ازدیاد «دالهای شناور» موجود در جامعه را برای تثبیت دال مرکزی خود سامان می‌دهد و به تعبیر فوکویی، ابرگفتمان فوق «نه بر اساس اصلی واحد برحسب سوژه مشخص؛ نه برحسب معیاری مشترک از تولید معنا؛ و نه به واسطهٔ پایداری مفاهیم به کار رفته در آن؛ و نه با ارجاع به درون‌مایهٔ عمومی، بلکه بر بنیان قواعد مترتب بر تمایزها و پراکندگیها شکل می‌گیرد.» (تاجیک، ۱۳۸۳). فوکو (۱۳۹۰) سازواری گفتمان به این شیوه را «انتظام در پراکندگی[1]» می‌نامد. بدین معنا که وحدت یک گفتمان در ناهم‌پیوستگی و برهمکنش وجوه افتراق ابژه‌های آن است. بنابراین گفتمان سنت‌گرایی تعدیل شده به خرده گفتمانهای پراکنده در مظروف خود انتظام داده و با چنین روشی به پایداری و هژمونی خود ادامه می‌دهد. از طرف دیگر ابرگفتمان یادشده با ایجاد مرزهای سیاسی و ضدیت ما و دیگریهای داخلی و خارجی، هویتهای متکثر و چندپاره خرده‌گفتمانهای درون خود را به وحدت می‌رساند. در اینجا پاسخ به این سؤال ضروری است که از آنجائیکه گفتمان مفهومی پسامدرن است، با توجه به اینکه جامعه ایران همواره میان سنت و مدرنیته گرفتار بوده و فاصله فراوانی هم با پست‌مدرنیته دارد، آیا می‌تواند پذیرای مفهوم گفتمان باشد؟ در پاسخ می‌توان گفت که از دو منظر می‌توان با مفهوم گفتمان مواجه شد؛ منظر نخست اساساً گفتمان را منظومه‌ای معنایی فرض می‌کند که به اصطلاح مسائل زبان‌شناختی و ماورای زبان‌شناختی را در درون خود چینش و سامان داده است و به این واسطه می‌تواند به زندگی انسانها در اجتماع و همچنین به جهان زیست و دنیا و مافیها معنا و مفهوم بخشد، اما در دومین منظر، مفروض اصلی این است که گفتمان یک منظومه معنایی است که ویژگی و خصیصه ایدئولوژیک ندارد. یک نص ایدئولوژیکی، بهداشتی و جهان‌شمول و مبتنی بر منطق دوانگاری و تضاد نیست، اتوپیا نمی‌سازد، فداکاری نمی‌طلبد، ایمان ایجاد نمی‌کند، خودی و دیگری نمی‌سازد، هویت شفاف طلب نمی‌کند و در یک گام رو به جلوتر همه این ویژگیها را به حاشیه می‌راند. اگر به منظر

1. regularity in dispersion

Archive of SID

www.SID.ir

دوم توجه کنیم طبیعی است جامعه ایدئولوژیک [ایران] نمی‌تواند گفتمان را در این ساحت فهم کند و هم به آن اجازه دهد در زندگی روزمره افرادِ اجتماع حضور و جریان پیدا کند، ولی اگر به منظر نخست نگاه کنیم گفتمان می‌تواند یک منظومه معنایی باشد که به هر نظام فکری و رویکردی قابل اطلاق است، کما اینکه به نظر می‌رسد در جامعه امروز ما، احزاب، گروه‌ها و جریانهای مختلف از گفتمان معنای نخست را استخراج کرده‌اند، چرا که گفتمان اگر ریشه پست مدرنیته و پساساختارگرایی داشته باشد، نمی‌توانیم در جامعه خود اساساً گفتمان را، با این تعاریف و ریشه و خاستگاه، داشته باشیم ولی با منظر نخست با اغماض می‌توان وجود گفتمان را، در جامعه پذیرفت و ازاین‌رو می‌توان گفت که جامعه ایران ذیل گفتمانهای اصول‌گرایی، سازندگی، اصلاح‌طلبی و اعتدال زیست می‌کند (تاجیک، ۱۳۹۶).

تحلیل گفتمانِ عدالت جنسیتی در برنامه‌های اول و دوم توسعه

دولت سازندگی کارگزار برنامه اول و دوم توسعه بود. در طول تسلط گفتمان سیاسی سازندگی، گفتمان توسعه‌ای رشد اقتصادی در قالب رویکرد نولیبرالی اقتصاد هژمون شد و نشانه‌های آن در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی آشکار گشت و بازنمائی آن را نیز می‌توان در تدوین برنامهٔ پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دید که بعد از یک دهه بی‌توجهی کم و بیش ناگزیر به نظام برنامه‌ریزی، بلافاصله پس از پایان جنگ موردتوجه قرار گرفت. در نخستین برنامه تدوین شده چون مسئله اصلی مقابله با عقب‌ماندگی اقتصادی بود، فرهنگ و سیاست دارای اهمیتی کمتر از اقتصاد و حتی تابع آن شدند و به‌مثابه ابزار رشد اقتصادی و یا ابزاری برای کاهش پیامدهای منفی ناشی از سیاستهای مبتنی بر رشد اقتصادی در نظر گرفته شدند. به سخن دیگر توسعه در گفتمان سازندگی صرفاً با رشد اقتصادی، معنا و اعتبار می‌یافت. یکی از شاخصهای مورد غفلت قرار گرفته در نظام برنامه‌ریزی ایران در گفتمان سازندگی شاخص «عدالت جنسیتی» است. با بررسی جایگاه

Archive of SID

www.SID.ir

زنان در برنامه اول و دوم توسعه (تحت کارگزاری گفتمان سازندگی) و تأکیدی که در این برنامه‌ها بر آموزش زنان شده است می‌توان گفت که دال مرکزی مفصل‌بندی پایگاه زنان در برنامه اول و دوم ذیل کارگزاری گفتمان سازندگی، «آموزش» است که با نشانگان «سلامت»، «اوقات فراغت»، «مشارکت» و «کنترل موالید» سامان یافته است. دالهای خالی برنامه‌های اول و دوم توسعه با کارگزاری گفتمان سازندگی در سامانه نشانگانی جایگاه زنان، «توانمندسازی»، «فرصتهای برابر» و «امور حقوقی» هستند. از منظر دال عدالت جنسیتی و نشانگان معنایی آن در برنامه‌های اول و دوم توسعه می‌توان گفت که در متن این دو برنامه توجه چندانی به عدالت جنسیتی نشده است. چرا که در این متون نمی‌توان موارد قانونی که دلالت کامل بر نشانگان معنایی عدالت جنسیتی (عدالت آموزشی، عدالت اقتصادی، عدالت سیاسی، عدالت حقوقی و عدالت بهداشتی) داشته و حامل بار معنایی آن باشد، یافت. تنها بند ۱-۱ (برنامه اول توسعه) که بر افزایش ضریب تحصیلی دختران لازم التعلیم تأکید دارد را می‌توان تسامحتاً بازنمایی از عدالت آموزشی دانست همچنین «کاهش مرگ و میر مادران و کودکان» در برنامه اول را می‌توان مدلول دیگری از عدالت جنسیتی با تعبیر به عدالت بهداشتی تلقی کرد. گو آنکه البته تمام دلالت مفهومی عدالت بهداشتی را پوشش نمی‌دهد. اما در برنامه دوم توسعه این حداقلها هم لحاظ نشده‌اند و برنامه به‌طور کلی تهی از دال عدالت جنسیتی و مدلولهای آن است. اما گفتمان سازندگی در بحث عدالت جنسیتی به تعبیر راولزی نهادسازی کرد. به تعبیر رایج در فلسفه سیاسی، عدالت مسئله‌ای است که در سطح نهادهای اجتماعی مطرح است. راولز به‌مثابه فیلسوفی سیاسی به دنبال عدالت به‌مثابه کارویژه نهادهای اجتماعی و سیاسی است نه صفت انسان و اعمال او. بنابراین عدالت با متغیر قدرت و نحوه اعمال آن نیز سروکار دارد. منظور از عادلانه بودن نهاد اجتماعی این است که در چارچوب این نهادها حقوق و مسئولیتها، قدرت و اختیارات، مزایا و فرصتهای وابسته به آن عادلانه توزیع شود (راولز، ۱۹۹۹). پس از تدوین برنامه دوم توسعه و آغاز اجرایی شدن آن

Archive of SID

www.SID.ir

دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری و همچنین برخی تشکیلات و سازمانهای غیردولتی زنان پایه‌گذاری و تأسیس شدند که آنها را می‌توان در راستای توجه به مسئله زنان دانست.

جدول (۱) زنان در قانون برنامه اول و دوم توسعه

برنامه اول توسعه	خط مشیها	خط مشی ۲- گسترش کمی و ارتقاء کیفی فرهنگ عمومی، تعلیم و تربیت و علوم و فنون در جامعه با توجه خاص نسبت به نسل جوان از طریق... ۱۸-۳- مشارکت بیشتر زنان در امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی با حفظ شوونات خانواده و ارزشهای متعالی شخصیت اسلامی زن.
	تصویر کلان برنامه	ج - تصویر کلان برنامه: ۱- جمعیت؛ ۱-۱- خطوط کلی سیاست تحدید موالید کشور تحقق هدف تحدید موالید مستلزم کوششهایی از این قرار است: - بالا بردن سطح سواد و دانش عمومی افراد جامعه و به‌خصوص افزایش ضریب پوشش تحصیلی دختران لازم التعلیم. - اعتلاء موقعیت زنان از طریق تعمیم آموزش و افزایش زمینه‌های مشارکت زنان در امور اقتصادی، اجتماعی جامعه و خانواده. - ارتقاء سطح سلامت افراد جامعه و کاهش مرگ و میر مادران و کودکان.
برنامه دوم توسعه	خط مشیها	۲- رشد فضائل بر اساس اخلاق اسلامی و ارتقاء کمی و کیفی فرهنگ عمومی جامعه از طریق ... ۱۲: توجه ویژه در برنامه‌ریزی‌ها و اختصاص امکانات به مسائل تربیت بدنی و پر کردن اوقات فراغت بانوان. ۱۳: مشارکت بیشتر زنان و بانوان در امور اجتماعی
	سیاستهای کلی	سیاست جمعیتی ۱-افزایش سطح آگاهیهای عمومی افراد جمیعت در زمینه مسائل مربوط به جمعیت از طریق... الف) تأکید بر آموزش و افزایش آگاهی بانوان در مقاطع سنی باروری، در زمینه مزیتهای کنترل باروری
	تبصره‌ها	تبصره ۶۵: دولت مکلف است نسبت به ایجاد و اختصاص امکانات ورزشی برای دانش‌آموزان دختر و بانوان، با توجه به حفظ شوون زن در جامعه اسلامی اقدام نماید

منبع: قانون برنامه‌های اول و دوم توسعه

Archive of SID

www.SID.ir

تحلیل گفتمانِ عدالت جنسیتی در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه

کارگزار برنامه سوم و چهارم توسعه دولت اصلاحات به ریاست سیدمحمد خاتمی بود. گفتمان توسعه سیاسی اصلاح‌طلبی حاصل کشمکشها و منازعات گفتمانی در مقابل گفتمان رشد لیبرالی بود. این گفتمان بنا بر ایدهٔ آمارتیا سن مبنی بر «تقدم توسعه سیاسی بر توسعه اقتصادی» (سن[1]، ۲۰۰۱)، نشانه اصلی خود را «توسعه سیاسی» معرفی می‌کند. «حقیقتِ توسعه بر چیزی غیر از رشد اقتصادی تعلق گرفت. این تلقی رواج یافت که حقیقت پیشرفت در توسعهٔ سیاسی نهفته است و نقطهٔ شکست گفتمان رشد نولیبرالی نیز در همین نکته نهفته است» (نوذری، ۱۳۹٤).

بدین ترتیب توسعه در گفتمان اصلاحات، گسترش آزادیهای سیاسی تلقی شد و توسعه تعریفی فرهنگی و سیاسی یافت. در تلقی جدید از توسعه، زنان به‌مثابه سوژه اجتماعی مستقل فراخوانده شدند و توجه ویژه‌ای به توانمندسازی و مشارکت زنان در توسعه شد. در همین راستا دفتر امور زنان ریاست جمهوری که در دوره تسلط گفتمان سازندگی شکل گرفته بود، به دفتر امور مشارکت زنان تغییر نام یافت و از سطح دفتر به مرکز ارتقا یاقت و در برنامه سوم توسعه جایگاه قانونی پیدا کرد و همچنین مدیر دفتر اجازه یافت که در جلسات هیئت‌دولت حضور یابد که نشانه توجه به کارکرد این دفتر است. به سخن دیگر ارتقای سازمانی اشاره شده بازگوی توجه گفتمان اصلاحات به سوژه «زنان» بود که بدین ترتیب در گفتمان اصلاحات، مشارکت زنان به رسمیت شناخته شده و معنایِ مشارکت زنان، در جایگاه دال مرکزی قرار گرفت و نشانگان معنایی «توانمندسازی»، «آموزش»، «ورزش زنان»، «برابری فرصتها برای زنان و مردان»، «افزایش فرصتهای شغلی»، «تسهیل امور حقوقی و قضائی»، «رفع خشونت علیه زنان»، «ارتقای کیفیت زندگی زنان»، «تحکیم خانواده» و «سازمانهای غیردولتی زنان» را حول خود سامان داد. گفتمان توسعه سیاسی محل تجلی و بروز مشارکت زنان در توسعه را سازمانهای غیردولتی می‌داند. نکته قابل توجه این است که در معنی دلالت یافته بر این نشانه، تفاوتهایی در برنامه سوم و چهارم دیده

1. Sen

Archive of SID

www.SID.ir

می‌شود به‌طوری‌که در برنامه سوم توسعه، بر نقش اشتغال‌زایی سازمانهای غیردولتی تأکید شده است در حالی‌که در برنامه چهارم توسعه بر ایجاد و گسترش سازمانهای غیردولتی، نهادهای مدنی و تشکلهای زنان در قالب لایحه‌ای در راستای توسعه فرهنگی تأکید گذاشته شده و به پیگیری مطالبات زنان در قالب سیاست «از پائین به بالا» توجه شده است.

این همان موضوعی است که استراتژی گفتمان توسعه سیاسی و اصلاحات بر مبنای آن قرار دارد. از آنجائی که گفتمان اصلاحات با چالشهای جدی از طرف گفتمانهای متخاصم در خصوص مسائل فرهنگی مواجه بود، برای کسب مشروعیت از طرف گفتمانهای متخاصم «بهره‌گیری از اصول و مبانی اسلامی» (بند الف ماده ۱۵۸ برنامه سوم) را در متن برنامه سوم برجسته ساخت. علاوه بر این در این برنامه در جهت غیریت‌سازی با گفتمانهای متخاصم بر «افزایش باورهای عمومی نسبت به شایستگی زنان» تأکید گذاشته شده است. از منظر عدالت جنسیتی و دلالتهای آن می‌توان گفت که گفتمان اصلاحات در سیاست توسعه‌ای بالاخص در برنامه چهارم توسعه، به عدالت جنسیتی توجه قابل ملاحظه‌ای داشته است. نشانگان «افزایش فرصتهای اشتغال زنان و ارتقاء شغلی آنان»، «توجه به ترکیب جنسیتی عرضه نیروی کار» و «ارتقای مهارتهای شغلی زنان» دلالت بر مدلول «عدالت اقتصادی «دارد که گفتمان توسعه سیاسی در راستای اهمیت قائل شدن به نقش زنان در توسعه، بدان توجه داشته است. نشانگان «اصلاحات ضروری در امور حقوقی»، «تسهیل امور حقوقی و قضائی زنان»، «خدمات حقوقی»، «حمایت از حقوق زنان»، «بازنگری قوانین و مقررات» و «تمهیدات قانونی و حقوقی برای رفع خشونت علیه زنان»، نظام معنایی «عدالت حقوقی» در گفتمان توسعه سیاسی را سامان داده‌اند. بدین ترتیب گفتمان اصلاحات معناهای دیگر عدالت حقوقی را طرد کرده و بر رفع خشونت علیه زنان در چارچوب قوانین جاری کشور تأکید دارد. این تأکید را می‌توان ناشی از بحرانی بودن وضعیت خشونت علیه زنان در جامعه و لزوم تغییر این وضعیت به‌عنوان پیش شرط توانمندسازی زنان و تأمین مشارکت فعال آنان در زندگی اجتماعی به منظور نیل به توسعه

Archive of SID

www.SID.ir

سیاسی و فرهنگی و حتی اقتصادی تلقی کرد. «دسترسی به فرصتهای برابر آموزشی» بازنمایی از «عدالت آموزشی» است که گفتمان توسعه سیاسی بر گسترش دانش، مهارت و ارتقای بهره‌وری سرمایه‌های انسانی به‌ویژه برای دختران و تقویت مهارتهای زنان متناسب با نیازهای جامعه و تحولات فناوری بر معنای عدالت آموزشی دلالت دارد. نکته مهم این است که این گفتمان به جای تأکید بر آموزش متناسب با نقشهای جنسیتی بر تقویت مهارتهای دختران متناسب با نیازهای جامعه تأکید دارد و این دقیقاً دلالت بر مدلول عدالت آموزشی است.

گزاره «برنامه‌ریزی برای تدوین برنامه آموزشی ارتقاء سلامت و شیوه‌های زندگی سالم»، دلالت ناکامل عدالت بهداشتی است. اما عدالت سیاسی و دلالت ناکامل عدالت بهداشتی مدلولهای مغفول مانده «عدالت جنسیتی» در گفتمان توسعه سیاسی هستند که نشانگر تعبیر و تفسیر محدود این گفتمان از «مشارکت زنان در توسعه» در چارچوب عدالت آموزشی، عدالت حقوقی و عدالت اقتصادی و عدالت بهداشتی با دلالت ناکافی است. با این وجود حساسیت جنسیتی گفتمان اصلاحات قابل توجه است اما آنچه باید بدان توجه داشت این است که بهبود شاخصهای انسانی زنان که از هدفهای توسعه‌ای گفتمان توسعه‌ای اصلاحات بود وقتی تحقق می‌یابد که «عدالت جنسیتی» با تمام مدلولها و دلالتهایش در نظام برنامه‌ریزی، موردتوجه قرار گیرد. لذا با اینکه در دوره تسلط گفتمان اصلاحات شاخص اشتغال زنان بهبود یافت و برخی قوانین حقوقی مرتبط نیز تصحیح شدند اما افزایش مطالبات زنان در دوره حاکمیت گفتمان اصلاحات و عدم‌پاسخگویی به مطالبات ایجاد شده سوژه «زنان» را دچار سرخوردگی و احساس بی‌قدرتی کرد. که نتیجه آن مشارکت اندک زنان در انتخابات ریاست جمهوری نسبت به دو دوره قبلی و تسلط گفتمان اصول‌گرای رادیکال شد. تجربه انتخابات ایران نشان می‌دهد که حضور گسترده زنان در انتخابات، با پیروزی گروه‌های سیاسی که گرایشات اصلاح‌طلبانه دارند، همراه است. به‌طوری‌که مشارکت کردن یا مشارکت نکردن آنان در تجربه‌های انتخاباتی دوران اصلاحات، به عنصری تعیین‌کننده تبدیل شده بود (جلائی‌پور، ۱۳۹۲).

Archive of SID

www.SID.ir

جدول (۲) زنان در قانون برنامه سوم و چهارم توسعه

برنامه سوم توسعه	حوزه‌های فرابخشی	ماده ۷۱- بند ن: پیشنهاد برنامه‌های توسعه و مشارکت زنان و جوانان به‌ویژه بسیجیان در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان به مراجع ذیربط و تنظیم سیاستهای اجرائی مربوطه.
	امور بخشی	ماده ۱۵۸- مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری موظف است در جهت زمینه‌سازی برای ایفای نقش مناسب زنان در توسعه کشور و تقویت نهاد خانواده، ضمن انجام مطالعات لازم با همکاری دستگاههای اجرائی ذیربط اقدامات ذیل را به عمل آورد: الف- با بهره‌گیری از اصول و مبانی اسلامی و با در نظر گرفتن تحولات آینده جامعه، نیازهای آموزشی و فرهنگی و ورزشی خاص زنان را شناسایی کرده و طرحهای مناسب را برحسب مورد از طریق دستگاههای اجرائی ذیربط تهیه و برای تصویب به مراجع مربوط پیشنهاد کند. ب- طرحهای لازم برای افزایش فرصتهای اشتغال زنان و ارتقاء شغلی آنان در چارچوب تمهیدات پیش‌بینی شده در این قانون و متضمن اصلاحات ضروری در امور اداری و حقوقی را تهیه و به منظور تصویب به هیأت وزیران ارائه کند. ج- با سازماندهی فعالیتهای مشترک با دستگاههای مسؤول در قوه‌قضائیه، طرحهای لازم برای تسهیل امور حقوقی و قضائی زنان را تهیه و برحسب مورد از طریق دستگاههای مسؤول پیگیری کند. د- برای بهره‌گیری از خدمات مختلف اجتماعی زنان در زمینه‌های مالی، حقوقی، مشاوره‌ای، آموزشی و ورزشی، طرحهای لازم با اولویت قایل شدن برای زنان خودسرپرست و بی‌سرپرست مناطق توسعه‌نیافته یا کمتر توسعه‌یافته و گروه‌های محروم جامعه در زمینه حمایت از تشکیل سازمانهای غیردولتی، تهیه و برحسب مورد به دستگاههای اجرائی یا دولت منعکس کند تا پس از تصویب از طریق دستگاههای ذیربط اجرا شوند.

Archive of SID

www.SID.ir

برنامه چهارم توسعه	توسعه مبتنی بر دانایی	ماده ۵۲: دولت موظف است، به منظور تضمین دسترسی به فرصتهای برابر آموزشی به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته، گسترش دانش، مهارت و ارتقای بهره‌وری سرمایه‌های انسانی به‌ویژه برای دختران و توسعه کمی و کیفی آموزش عمومی، آن دسته از اقدامهای ذیل که جنبه قانون‌گذاری ندارد را به انجام برساند: ... برنامه‌ریزی برای تدوین برنامه آموزشی ارتقاء سلامت و شیوه‌های زندگی سالم و ... بند الف ماده ٥٤: دوره‌های آموزشی ضمن خدمت متناسب با مشاغل مورد تصدی کارکنان به منظور افزایش سطح کارایی و ارتقای مهارتهای شغلی آنان (به‌خصوص برای زنان)
	توسعه مبتنی بر دانایی	بنده ه ماده ۹۸: تدوین و تصویب طرح جامع توانمندسازی و حمایت از حقوق زنان، در ابعاد حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و اجرای آن در مراجع ذی‌ربط. بند د ماده ۱۰۰: تأمین آزادی و امنیت لازم برای رشد تشکلهای اجتماعی در زمینه صیانت از حقوق کودکان و زنان. بند ج ماده ۱۰۱: گسترش حمایتهای اجتماعی (تأمین اجتماعی، بیمه بیکاری، ایجاد و توسعه و تقویت‌ساز و کارهای جبرانی، حمایتهای اجتماعی از شاغلین بازار کار غیر رسمی، توانبخشی معلولین و برابری فرصتها برای زنان و مردان و توانمندسازی زنان از طریق دستیابی به فرصتهای شغلی مناسب). بند الف ماده ۱۰۲: توانمندسازی جوانان، زنان، فارغ‌التحصیلان و سایر افراد جویای کار، در راستای برقراری تعاملات اجتماعی لازم جهت شکل‌گیری فعالیت واحدهای تعاونی.
	ارتقا امنیت انسانی و عدالت اجتماعی	ماده ۱۱۱: دولت موظف است، با هدف تقویت نقش زنان در جامعه و توسعه فرصتها و گسترش سطح مشارکت آنها در کشور، اقدامهای ذیل را معمول دارد: الف: تدوین، تصویب و اجرای برنامه جامع توسعه مشارکت زنان مشتمل بر بازنگری قوانین و مقررات به‌ویژه قانون مدنی، تقویت مهارتهای زنان متناسب با نیازهای جامعه و تحولات فناوری، شناسایی و افزایش ساختارهای سرمایه‌گذاری در فرصتهای اشتغال‌زا، توجه به ترکیب جنسیتی عرضه نیروی کار، ارتقای کیفیت زندگی زنان و نیز افزایش باورهای عمومی نسبت به شایستگی آنان. ب: تنظیم و ارائه لوایح، مربوط به تحکیم نهاد خانواده جهت تصویب در مراجع ذی‌صلاح. ج: انجام اقدامهای لازم ازجمله تهیه برنامه‌های پیشگیرانه و تمهیدات قانونی و حقوقی، به منظور رفع خشونت علیه زنان. د: تقدیم لایحه حمایت از ایجاد و گسترش سازمانهای غیردولتی، نهادهای مدنی و تشکلهای زنان به مجلس شورای اسلامی.
	توسعه امور قضایی	ماده ۱۳۰ ز-۳: رفع هرگونه تبعیض جنسیتی، قومی و گروهی، در قلمرو حقوقی و قضایی.

منبع: قانون برنامه‌های سوم و چهارم توسعه

Archive of SID

www.SID.ir

تحلیل گفتمانِ عدالت جنسیتی در برنامه پنجم توسعه

کارگزار برنامه پنجم توسعه، دولت دهم با گفتمان اصول‌گرای رادیکال است. این گفتمان در آغاز کار، نام مرکز مشارکت زنان را به «مرکز امور زنان و خانواده» تغییر داد. به زبان تحلیل گفتمانی، گفتمان اصول‌گرای رادیکال با این تغییر نام، به ساختارشکنی از دال مرکزی گفتمان اصلاحات که همانا «مشارکت زنان» بود، پرداخته و با ایجاد تزلزل در نظام معنایی تثبیت یافته آن و غیریت‌سازی آن، شروع به مفصل‌بندی گفتمان خود با نشانه مرکزی «خانواده‌محوری» کرده است. بدین منوال در متن برنامه توسعه پنجم نیز دال «مشارکت زنان» طرد شده و کاستی گفتمان اصلاحات که «خانواده‌گرایی» است برجسته‌سازی شده است بدین ترتیب زن در گفتمان جدید به‌مثابه سوژه‌ای مستقل در نظر گرفته نمی‌شود بلکه زن در ذیل خانواده بدون در نظر گرفتن نقش اختصاصی زن‌بودنش موردتوجه قرار می‌گیرد. همچنین ساختارشکنی این گفتمان از دال توانمندسازی زنان به‌مثابه یکی از نشانه‌های اصلی گفتمان توسعه سیاسی، آن را در قالب یکی از نشانه‌های به حاشیه‌رانده‌شده، به دو گروه از زنآنکه همانا زنان سرپرست خانوار و زنان مدیر است، محدود می‌کند.

مفصل‌بندی جایگاه زنان در برنامه پنجم توسعه حول دال مرکزی «تقویت خانواده» و نشانگان معنایی «امنیت زنان»، «عفاف و حجاب»، «تأمین اجتماعی» و «سلامت زنان» به‌مثابه مدلولهای آن سامان یافته است. فقر نشانگانی این گفتمان در خصوص جایگاه زنان و مشارکت آنان در توسعه، نشان از عدم توجه به زنان به مثابه عاملان و ذی‌نفعان توسعه دارد. از منظر عدالت جنسیتی و دلالتهای آن، در این برنامه، نشانگان «ارتقا سلامت زنان» به‌مثابه «عدالت بهداشتی» در نظر گرفته می‌شوند. و اگر چه «توسعه و ساماندهی امور اقتصادی ـ معیشتی»، «عدالت اقتصادی» را بازنمائی می‌کند اما از آنجا که بر زنان سرپرست خانوار و آن هم با تأکید بر مشاغل خانگی تأکید دارد تمام بار معنایی عدالت اقتصادی را در برنمی‌گیرد.

Archive of SID

www.SID.ir

لذا گفتمان اصول‌گرا، بر این اساس، سیاستهای خود مبنی بر اشتغال خانگی و دورکاری زنان و کاهش ساعات کاری زنان را به‌عنوان راهبردهای تقویت خانواده معرفی کرده و به ساختارشکنی از الگوی اشتغال تمام وقت می‌پردازد. گزاره‌های «تأمین آموزشهای مورد نیاز متناسب با نقش دختران و پسران» و «تضمین دسترسی به فرصتهای عادلانه آموزشی به‌تناسب جنسیت» دلالت بر مدلول عدالت آموزشی داشته و بار معنایی آن را به‌طور کامل پوشش می‌دهند. «بازنگری قوانین و مقررات مربوطه» را به دلیل اینکه سمت و سوی بازنگری قوانین مشخص نیست، نمی‌توان به‌مثابه «عدالت حقوقی» در نظر گرفت؛ اما می‌توان ادعا کرد که همراهی نشانه تحکیم خانواده با این گزاره بازگوی سمت‌گیری اصلاح قوانین در جهت تحکیم خانواده است که هرگونه معنای احتمالی دیگر را طرد می‌کند و ارائه لایحه «حمایت از خانواده» که برخی مواد قانونی آن تبعیضهایی را علیه زنان روا می‌داشت و انتقادات فراوانی به راه انداخت. بدین ترتیب عدالت حقوقی، عدالت سیاسی و حتی عدالت اقتصادی با دلالت ناکافی، مدلولهای مغفول مانده عدالت جنسیتی در برنامه پنجم توسعه هستند.

آنچه باید بدان توجه داشت این است که اگرچه برخی مدلولهای عدالت جنسیتی در برنامه توسعه پنجم بازنمائی شده‌اند ولی کلی‌گویی و عملیاتی نبودن برنامه‌های حوزه زنان و احاله آن به تدوین سند که خود دارای ماهیت کلی و فاقد ضمانت اجرایی لازم است و همچنین عدم توجه به شرایط و تمهیدات قانونی و اعتباری و تعیین محدوده زمانی مشخص جهت اجرایی کردن آنها، از موانع تحقق چنین عدالتی بوده‌است ازاین‌رو است که موانع ایجاد شده در راستای برابری جنسیتی در حوزه قوانین، سیاسی و حتی اقتصادی، سوژه زنان را بر علیه گفتمان مسلط تهیج کرده و زمینه هژمونی گفتمان رقیب را فراهم ساخت.

Archive of SID

www.SID.ir

جدول (۳) زنان در قانون برنامه پنجم توسعه

بخش	سیاست
علم و فناوری	بند ب ماده ۱۵: تأمین آموزشهای مورد نیاز متناسب با نقش دختران و پسران. بند د ماده ۱۹: تضمین دسترسی به فرصتهای عادلانه آموزشی به‌تناسب جنسیت
اجتماعی	ماده ۲۶: سازمان بهزیستی کشور موظف است پس از بررسی های کارشناسی برای متقاضیان فعالیت در امور زیر پروانه فعالیت صادر نماید: ... ۳- تأسیس خانه سلامت دختران و زنان. ماده ۳۹: به منظور توانمندسازی افراد و گروه‌های نیازمند به‌ویژه زنان سرپرست خانوار و معلولان نیازمند با تأکید بر برنامه‌های اجتماع محور و خانواده محور، با استفاده از منابع بودجه عمومی دولت و کمکهای مردمی اقداماتی چند (که در ذیل این ماده آمده است) انجام می‌شود.
دفاعی، سیاسی و امنیتی	بند ط ماده ۱۹۶: پشتیبانی از رده‌های مقاومت بسیج جامعه زنان به‌ویژه در فعالیتهای مربوط به توسعه فرهنگ عفاف و حجاب و تحکیم خانواده
برنامه و نظارت	ماده ۲۲۷: دولت نسبت به تهیه و تدوین «سند ملی امنیت بانوان و کودکان در روابط اجتماعی» با مشارکت و برنامه‌ریزی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، قوه قضائیه، سازمان بهزیستی کشور، شهرداری، وزارت کشور، شورای عالی استانها، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، وزارت‌خانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و کار و امور اجتماعی توسط دولت در طول سالهای برنامه اقدام قانونی به عمل آورد.
برنامه و نظارت	ماده ۲۳۰: دولت با همکاری سازمانها و دستگاههای ذی‌ربط ازجمله مرکز امور زنان و خانواده با هدف تقویت خانواده و جایگاه زنان در عرصه‌های اجتماعی و استیفاء حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه زمینه‌ها با تدوین و تصویب برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده مشتمل بر محورهای تحکیم بنیان خانواده، بازنگری قوانین و مقررات مربوطه، پیشگیری از آسیبهای اجتماعی، توسعه و ساماندهی امور اقتصادی ـ معیشتی با اولویت ساماندهی مشاغل خانگی برای زنان سرپرست خانوار و زنان بدسرپرست، تأمین اجتماعی، اوقات فراغت، پژوهش، گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، ارتقاء سلامت، توسعه تواناییهای سازمانهای مردم نهاد، ارتقاء توانمندیهای زنان مدیر و نخبه، توسعه تعاملات بین‌المللی، تعمیق باورهای دینی و اصلاح ساختار اداری تشکیلاتی زنان و خانواده اقدام قانونی نماید.

منبع: قانون برنامه پنجم توسعه

Archive of SID

www.SID.ir

تحلیل گفتمانِ عدالت جنسیتی در برنامه ششم توسعه

برنامه ششم توسعه برای دوره زمانی ۱۴۰۰-۱۳۹۵ تهیه شده است. تدوین برنامه ششم توسعه نسبت به برنامه‌های توسعه‌ای گذشته از تفاوت خاصی برخوردار است، مفاد این برنامه و روند تصویب آن به دو بخش مجزا تفکیک شده است: بخش اول در قالب لایحه احکام برنامه، برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه شد و بعد از تائید شورای نگهبان قانون اساسی با عنوان «قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» نهایی شده است و بخش دوم که شامل سند برنامه است برای تصویب به دولت ارائه و بعد از تصویب برای اجرا به دستگاه های اجرایی ابلاغ خواهد شد.

کارگزار برنامه ششم توسعه دولت یازدهم با گفتمان اعتدال است. در خصوص جایگاه زنان در برنامه ششم توسعه باید گفت که در نظم گفتمانیِ گفتمان توسعه‌ای اعتدال نشانه «عدالت جنسیتی» در راستای مشارکت زنان در توسعه در جایگاه دال مرکزی قرار گرفته است. البته لازم به یادآوری است که تصویب ماده قانونی مربوط به موضوع دولت اعتدال با چالشهایی مواجه شد. مثلاً مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی پیشنهاد جایگزین کردن عبارت «تناسب جنسیتی» به جای «عدالت جنسیتی» را مطرح کرد و در مورد دلایل خود خطاب به کمیسیون فرهنگی مجلس نوشت: با لحاظ لزوم توجه به خانواده به‌مثابه عنصر اصلی و اساسی در ایجاد نظامات اجتماعی، پیشنهاد می‌شود فارغ از رویکردها و سوگیری نسبت به جنس زن یا مرد، عبارت «خانواده‌محوری و رعایت تناسبات جنسیتی» جایگزین «عدالت جنسیتی» شود. الگوی مدنظر جامعه اسلامی، الگویی تناسب‌محور است نه تشابه‌محور، تنها در پرتو دستیابی به این الگوست که توانمندیهای هر یک از دو جنس به ظهور می‌رسد و محدودیتهای آنها در نظر گرفته می‌شود. در زمان تصویب ماده قانونی عدالت جنسیتی نیز نمایندگان مخالف واژه تناسب را به جای عدالت پیشنهاد دادند که تصویب نشد.

به این ترتیب نشانه مرکزی گفتمان توسعه اعتدال، در حقیقت دال شناور یا به عبارتی، نشانه

Archive of SID

www.SID.ir

کمبودها و نقصانهای برنامه قبلی (برنامه پنجم توسعه)، در عدم ارائه ماده قانونی جهت برقراری عدالت جنسیتی است که در قالب مطالبه زنان، در جایگاه نشانه مرکزی قرار گرفته و گفتمان جدیدی را حول خود ساماندهی کرده است. به سخن دیگر گفتمان اعتدال، با مفصل‌بندی و معنادهی به نشانه‌های مورد چشم‌پوشی گفتمان پیشین در برنامه توسعه، نسبت به تدوین و تنظیم برنامه ششم اقدام کرده است و بدین ترتیب به ساختارشکنی از دال مرکزی گفتمان توسعه اصول‌گرای رادیکال پرداخته و با ایجاد تزلزل در نظام معنایی تثبیت یافته آن، گفتمان خود را مفصل‌بندی کرده است. دال شناور زنان در برنامه‌های توسعه گفتمان اصول‌گرای رادیکال، در برنامه پنجم توسعه، در شکل نشانه مرکزی «تحکیم خانواده»به انجماد رسیده بود. در واقع برنامه ششم با نقد ساختار سنتی پیشین و بازتعریف نوآورانه مفهوم عدالت جنسیتی و با بهره‌گیری از الگوی ترکیبی برابری + عدالت و با نگریستن به زن به‌مثابه سوژه مستقل و درعین‌حال وابسته به خانواده، مدلولهای سازگار با نشانهٔ عدالت جنسیتی را تثبیت کرده کوشش می‌کند تا مسائل زنان را به گونه‌ای موردتوجه قرار دهد که در نهایت، حل مشکلات آنان و بهبود وضعیت و شرایط زندگی زنان به ارتقاء زیست کل خانواده منجر شود و از این طریق از سویی با توجه به بندهای آورده شده از قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست ساله و سیاستهای کلی برنامه ششم توسعه در متن ماده ۱۰۱ و از سوی دیگر مقابله با موانع حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی چه به شکل موانع ذهنی (تغییر نگرشها) و چه موانع قانونی (اصلاح قوانین) زمینه تحقق نشانه مرکزی خود یعنی «عدالت جنسیتی» و «مشارکت زنان» در توسعه کشور را فراهم کند.

بدین ترتیب گفتمان اعتدال در تخاصم با گفتمان پیشین و با مفصل‌بندی و معنادهی به نشانه‌های مورد چشم‌پوشی آن (برابری فرصتها و برابری مشارکت)؛ در برنامه ششم توسعه و بازتعریف نوآورانه مفهوم عدالت جنسیتی (با بهره‌گیری از الگوی ترکیبی برابری + عدالت) و با نگریستن به زن به‌مثابه سوژه مستقل و درعین‌حال وابسته به خانواده، نشانگان «خانواده»، «آموزش»، «سلامت» و «اشتغال» را حول دال مرکزی عدالت جنسیتی سامان می‌دهد. دال خالی

Archive of SID

www.SID.ir

گفتمان اعتدال در نظام معنایی جایگاه زنان در برنامه‌ها توسعه همانا برابری حقوقی است. گفتمان اعتدال از سیاست‌گذاری برای رفع موانع حقوقی برابری زنان و مردان در عرصه‌های اجتماعی، غافل مانده است. از منظر بازنمایی عدالت جنسیتی در برنامه ششم توسعه؛ راهبردهای «افزایش فرصتهای شغلی و توانمندسازی زنان و دختران برای حضور در عرصه‌های اقتصادی» مطرح شده در سند برنامه را می‌توان تحت عنوان «عدالت اقتصادی» در نظم گفتمانی عدالت جنسیتی حاکم بر برنامه ششم توسعه بازنمایی کرد. دالی که گفتمان اعتدال، با ساختارشکنی از باورهای گفتمان اصول‌گرای رادیکال که نان‌آوری را وظیفه مرد دانسته و با تأکید بر قداست نقشهای مادری و همسری، خانه‌داری را وظیفهٔ اصلی زنان تعریف کرده و بر اشتغال خانگی تأکید می‌کند؛ تلاش دارد تا زمینه حضور زنان در توسعه را فراهم کرده امکان مشارکت اقتصادی آنان را تضمین کند. و بدین ترتیب هدف افزایش کیفیت زندگی زنان (با استقلال مالی به دست آمده) را تعقیب می‌کند. بر این نشانه در منشور حقوق شهروندی نیز که یکی از نشانگان تشکیل دهنده نظام معنایی گفتمان اعتدال است تأکید شده است.

در ماده ۸۳ منشور آمده است: «حق زنان است که از فرصتهای شغلی مناسب و حقوق و مزایای برابر با مردان در قبال کار برابر، برخوردار شوند». یکی دیگر از نظامهای معنایی دال محوری «عدالت جنسیتی» که در برنامه ششم بدان توجه شده است، «سلامت و بهداشت» زنان است. در قانون برنامه ماده ۷۶، مسئله سلامت مادر و کودک مدنظر قرار گرفته و در سند برنامه ارتقاء سطح سلامت و بهداشت زنان موردتوجه بوده است اما راهبردهای معرفی شده از هدفهای ترسیم شده از «عدالت بهداشتی» که توزیع برابر امکانات بهداشتی برای زنان و مردان و دسترسی برابر زنان و مردان به خدمات بهداشتی است، غافل مانده است. عدالت بهداشتی به درستی در ماده سه منشور حقوق بشر تعریف شده است: «حق زنان است که از برنامه‌ها و تسهیلات بهداشتی و درمانی مناسب و آموزش و مشاوره‌های مناسب برای تأمین سلامت جسمی و روانی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی در مراحل مختلف زندگی به‌خصوص

Archive of SID

www.SID.ir

دوران بارداری، زایمان، پس از زایمان و در شرایط بیماری، فقر یا معلولیت، برخوردار باشند.»

نشانه معنایی دیگر برای دال مرکزی «عدالت جنسیتی»، مدلول «باسوادی زنان» است که می‌توان آن را تحت عنوان «عدالت آموزشی» در مفصل‌بندی نظم گفتمانی برنامه ششم، سامان داد. معنای نشانه «عدالت آموزشی» در سند برنامه ششم توسعه عبارت است از ارتقاء سطح آگاهیهای عمومی نسبت به ضرورت تحصیل دختران و زنان و ایجاد شرایط تحصیل برای آنانکه از آن «توانمندی آموزشی زنان» نیز فهم می‌شود. نشانه دیگر «عدالت جنسیتی»، «عدالت سیاسی «است بدین معنا که زنان فرصتهای برابری با مردان جهت حضور در عرصه‌های سیاسی داشته باشند. راهبردهای «افزایش مشارکت زنان در سطوح تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشور» مطرح شده در سند برنامه را می‌توان تحت عنوان «عدالت سیاسی» در نظر گرفت. اما گفتمان اعتدال از طرح ماده قانونی برابری فرصتها برای حضور در عرصه سیاسی و توانمندسازی زنان نه در متن قانون برنامه ششم و همچنین سند برنامه غافل مانده است اما در متن منشور حقوق شهروندی به صراحت به «عدالت سیاسی» اشاره شده است.

در ماده ۱۱ منشور چنین میخوانیم: «زنان حق دارند در سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، مدیریت، اجرا و نظارت، مشارکت فعال و تأثیرگذار داشته و بر اساس موازین اسلامی از فرصتهای اجتماعی برابر برخوردار شوند.» ازاین‌رو عدالت سیاسی با دلالت ناکامل را می‌تواند یکی از دالهای خالی در سیاست‌گذاری گفتمان اعتدال در نظر گرفت. راهبرد اصلاح نظام حقوقی و رویه‌های قضایی مرتبط با زنان و خانواده، مطرح شده در سند برنامه را می‌توان تحت عنوان «عدالت حقوقی «به‌مثابه نشانه فرعی دیگر گفتمان عدالت جنسیتی حاکم بر برنامه ششم، تصویر کرد. بدین‌وسیله گفتمان اعتدال به ساختارشکنی از قوانین و رویه‌های تبعیض‌آمیز (به عنوان مثال طلاق، دیه و...) گفتمان اصول‌گرای رادیکال و البته ابرگفتمان «سنت‌گرایی تعدیل‌شده» یا همان گفتمان «انقلاب اسلامی» پرداخته و نشانه‌های معنایی آن گفتمانها را دچار تزلزل و بی‌قراری می‌سازد. خرده گفتمان اعتدال در نشانه «عدالت حقوقی» به‌مثابه پادگفتمان ابرگفتمان مسلط عمل می‌کند تا بدین‌وسیله برابری

Archive of SID

www.SID.ir

حقوقی و قانونی برای زنان و مردان را در حوزه قوانین خانواده را فراهم سازد. اما لازم به توضیح است که اصلاح نظام حقوقی و رویه‌های قضایی مرتبط با زنان در راستای هدف تقویت نقش زن در نهاد خانواده است و ازاین‌رو تغییر نظام حقوقی و رویه‌های قضایی در حوزه خانواده مطرح است و تبعیضهای حقوقی علیه زنان در دیگر حوزه‌ها موردتوجه قرار نگرفته است ازاین‌رو می‌توان گفت دلالت معنایی عدالت حقوقی ناقص است.

جدول (٤) زنان در برنامه ششم توسعه

	بخش	سیاست
زنان در قانون برنامه ششم توسعه	سلامت، بیمه، سلامت و زنان و خانواده	ماده ٧٦: دولت مکلف است تا با رعایت سیاستهای کلی جمعیت، سلامت مادر و کودک و ارتقای شاخصهای نسبت مرگ مادر و نوزادان را بر اساس جدول درج شده ذیل قانون تأمین کند.
	بیمه اجتماعی، امور حمایتی و آسیبهای اجتماعی	بند ت ماده ٨٠: تهیه و اجرای کامل طرح جامع توانمندسازی زنان سرپرست خانوار طبق قوانین و مصوبات شورای اجتماعی تا پایان اجرای قانون برنامه توسط ریاست جمهوری (معاونت امور زنان) با همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سایر نهادهای ذی‌ربط و تأیید برنامه مذکور در هیأت وزیران و تصویب در مجلس شورای اسلامی و نظارت بر اجرائی شدن آن.
	فرهنگ، هنر و ورزش	ماده ١٠١: کلیه دستگاههای اجرائی موظفند به منظور تحقق اهداف مندرج در اصول دهم، بیستم و بیست و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله و سیاستهای کلی برنامه ششم و سیاستهای کلی خانواده مبنی بر «تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و استیفای حقوق شرعی و قانونی زنان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان» و نیز به منظور بهره‌مندی جامعه از سرمایه انسانی زنان در فرآیند توسعه پایدار و متوازن، با سازماندهی و تقویت جایگاه سازمانی امور زنان و خانواده در دستگاه، نسبت به اعمال رویکرد عدالت جنسیتی بر مبنای اصول اسلامی در سیاستها، برنامه‌ها و طرحهای خود و ارزیابی آثار و تصمیمات بر اساس شاخصهای ابلاغی ستاد ملی زن و خانواده شورای عالی انقلاب فرهنگی اقدام کنند.

Archive of SID

www.SID.ir

	بخش	سیاست
زنان در سند برنامه ششم توسعه	اهداف کلی	راهبردهای دستیابی به اهداف کلی
	تقویت کارکرد خانواده و جایگاه زن در آن	شناسایی روزآمد و بررسی مسائل و آسیبهای اجتماعی مبتلا به زنان و خانواده و ارائه شیوه‌های علمی ـ کاربردی ارتقای سلامت زنان و خانواده در ابعاد مختلف؛ تقویت نظام راهبری، ارزیابی و پایش برنامه‌های دولت در حوزه زنان و خانواده؛ اصلاح نظام حقوقی و رویه‌های قضایی مرتبط با زنان و خانواده؛ حمایت و توان‌افزایی خانواده‌های آسیب‌دیده و در معرض آسیب
	افزایش سطح باسوادی زنان	ارتقاء سطح آگاهیهای عمومی نسبت به ضرورت تحصیل دختران و زنان؛ ایجاد شرایط تحصیل و سوادآموزی برای دختران لازم التعلیم و بازمانده از تحصیل
	افزایش فرصتهای شغلی زنان در بازار کار	توسعه و گسترش زمینه‌های کارآفرینی و اشتغال برای زنان و دختران با اولویت زنان سرپرست خانوار و دختران فارغ‌التحصیل دانشگاهی؛ توانمندسازی زنان روستائی و عشایر برای دستیابی به مهارتهای شغلی و بازاریابی محصولات مبتنی بر قابلیتها و مزیتهای منطقه‌ای؛ ارتقاء تواناییهای زنان و دختران تحصیل کرده و صاحب مهارت برای حضور در عرصه‌های اقتصادی
	افزایش سهم زنان از نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و توانمندسازی زنان آسیب‌دیده و در معرض آسیب	توسعه بیمه‌های فراگیر اجتماعی در سطح یک و تکمیلی به منظور افزایش تواناییهای گروه‌های مختلف زنان و خانواده؛ توسعه نظامهای حمایتی برای گروه‌های آسیب‌پذیر و در معرض آسیب زنان و خانواده، توسعه زمینه‌های نهادی، پژوهشی و قانونی لازم برای پوشش حداکثری نظام جامع تأمین اجتماعی گروه‌های مختلف زنان و خانواده
	ارتقاء سطح سلامت و بهداشت زنان	تمرکز بر پیشگیری از بیماری و کنترل و مدیریت عوامل خطر سلامت زنان با تأکید بر عوامل شایع و فراگیر در زنان؛ توسعه زیرساختها و اجرای طرحهای تأمین خدمات مورد نیاز سلامت با تمرکز بر مسائل بااهمیت در گروه‌های سنی مختلف و محیط زندگی زنان در سراسر کشور؛ تأمین خدمات باکیفیت، جامع و فراگیر سلامت زنان و خانواده متناسب با اولویتها، نیازها و ویژگیهای شغلی، منطقه‌ای؛ طراحی و اجرای تحقیقات مرتبط با مشکلات جسمی، روانی و اجتماعی زنان و راهکارهای بهبود آن؛ آگاه‌سازی و ارائه مهارتهای مرتبط با بهداشت و سلامت زنان و خانواده؛ تقویت همکاریهای بین‌بخشی جهت پیاده‌سازی برنامه‌های موفق توسعه سلامت زنان و خانواده در کشور
	ارتقا سرمایه اجتماعی و فرهنگی زنان و خانواده	آموزش، فرهنگ‌سازی و تسهیل‌گری برای حضور مشارکت زنان در شکل‌گیری و ایجاد تشکلهای مردمی و سازمانهای مردم نهاد زنان و خانواده؛ حمایت از برنامه‌های تشکلهای مردم نهاد فعال فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی حوزه زنان و خانواده؛ افزایش توانمندیها، ظرفیتها و مهارتهای سازمانی سازمانهای مردم نهاد؛ تقویت همکاریهای شبکه‌ای بین سازمانهای مردم نهاد زنان و خانواده و نهادهای دولتی؛ بهره‌مندی از توان بالقوه زنان برای اجرای برنامه‌های فراگیر ملی از قبیل بهداشت عمومی، افزایش جمعیت، حفاظت از محیط زیست، صیانت از سرمایه‌های ملی؛ حمایت از برنامه‌های تشکلهای مردم نهاد فعال فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی حوزه زنان و خانواده؛ اعتمادسازی و تقویت ارتباط و تعامل مؤثر میان دولت و سازمانهای مردم نهاد حوزه زنان و خانواده؛ توسعه تعاملات بین‌المللی و زمینه‌سازی جهت حضور مؤثر و فعال زنان در مجامع بین‌المللی جهت معرفی جایگاه و چهره واقعی زن ایرانی
	شایسته‌سالاری در مدیریت و اداره جامعه	افزایش مشارکت زنان در سطوح تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشور؛ توان‌افزایی زنان مدیر و نخبه

منبع: قانون و سند برنامه پنجساله ششم توسعه

Archive of SID

www.SID.ir

باید توجه داشت که نقطه اوج و عزیمت هر گفتمانی، هنگامه تقابل و تخاصم با گفتمان مسلط است؛ شور و هیجان کلامی در جهت اعتبارزدایی از گفتمان مسلط و به چالش کشیدن دالها و نشانه‌های استعلا یافته آن بالا می‌گیرد اما به محض تسلط گفتمانی، محدودیتهای ساختاری آن را در معرض خصومتها و انتقادهای گفتمانهای رقیب قرار می‌دهد. لذا گفتمان اعتدال صرفاً توانست دال مرکزی مفصل‌بندی نشانگان معنایی عدالت جنسیتی را در قانون برنامه ششم توسعه وارد کند. جدول (۵) جمع‌بندی تحلیل گفتمان عدالت جنسیتی در برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب اسلامی را نشان می‌دهد:

جدول (۵) بازنمائی عدالت جنسیتی در برنامه‌های توسعه

برنامه‌ها	نشانگان معنایی (مدلولها)	دال(های) خالی
اول و دوم (گفتمان سازندگی)	عدالت آموزشی و عدالت بهداشتی (اما با دلالتهای ناکافی)	عدالت حقوقی، عدالت سیاسی، عدالت اقتصادی، دلالت ناکامل عدالت بهداشتی
سوم و چهارم (گفتمان اصلاحات)	عدالت اقتصادی، عدالت آموزشی، عدالت حقوقی، عدالت بهداشتی (اما با دلالت ناکافی)	عدالت سیاسی، دلالت ناکامل عدالت بهداشتی
پنجم (گفتمان اصول‌گرای رادیکال)	عدالت آموزشی، عدالت بهداشتی	عدالت حقوقی، عدالت سیاسی، عدالت اقتصادی (با دلالت ناکافی)
ششم (گفتمان اعتدال)	عدالت آموزشی، عدالت بهداشتی، عدالت اقتصادی، عدالت سیاسی (اما با دلالت ناکافی)، عدالت حقوقی (اما با دلالت ناکافی)	عدالت حقوقی (با دلالت ناقص)، عدالت سیاسی (با دلالت ناقص)

www.SID.ir

بحث

«برابری جنسیتی، جنبه‌ای از فرآیند توسعه انسانی است که از لحاظ اهمیت با روند جهانی گذار به دموکراسی قابل مقایسه بوده و با آن قرابت و پیوستگی بسیاری دارد» (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹). لذا برابری جنسیتی یکی از جنبه‌های مهم نوسازی است (اینگهارت و نوریس[1]، ۲۰۰۲). این دگرگونی از نقشهای جنسیتی تثبیت شده، بخشی از دگرگونی انسان‌گرایانه گسترده‌تر مرتبط با رشد ارزشهایی همچون افزایش تساهل، تنوع انسانی و نگرشهای ضدتبعیض است (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹).

در همین راستا امروزه مطالبات جدیدی برای مشارکت شهروندان در زندگی اجتماعی و فرآیند توسعهٔ پایدار بدون توجه به تمایزهای جنسیتی، شکل‌گرفته است. تحقق چنین مطالباتی، منوط به وارد کردن «عدالت جنسیتی» در برنامه‌های توسعه است. چنین امری باید اولین هدف برنامه‌ریزان قرار گیرد و برای این منظور هدفهایی که مستقیماً ناظر به پیشرفت و منافع مربوط به عدالت جنسیتی است، تعیین شود. ازاین‌رو مطرح ساختن جدی جنسیت و توسعه در برنامه‌های ملی مستلزم تغییراتی مناسب در رویه و ساختار اندیشگی تدوین برنامه است. بدین معنی که وارد کردن موضوع زنان و عدالت جنسیتی در توسعه نیازمند آن است که با نقد فلسفه‌هایی که زن را فرودست مرد می‌دانند، خردمندانه برخورد گردد و به جهان با دید تازه‌ای نگریسته شود ودرباره نقش سازنده زنان در بازسازی اجتماعی و توسعه بر طبق الزامات جامعه نوین و شرایط امروزین جهان بازاندیشی شود. ازاین‌رو طرح عدالت جنسیتی در برنامه‌های توسعه کشور فقط با تقویت اراده و عزم ملی در این زمینه و حمایت تام و تمام همه مقامات نظام امکان‌پذیر است. بدین‌ترتیب، «مجریان طرح عدالت جنسیتی در حقیقت مدافعان استراتژیهایی هستند که به بهبود کیفیت زندگی می‌انجامد. بدیهی است که زمینه اصلی چنین بهبودی همانا تساوی و عدالت اجتماعی بین زن و مرد در همه وجوه حیات

1 Inglehart and Norris

www.SID.ir

اجتماعی است که الزماً از طریق اجرای طرحهای توسعه پاسخ به جنسیت، میسر می‌گردد و جامه عمل می‌پوشد» (تورس و روزاریو،۱۳۷۵؛ به نقل از علی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶).

در ایران نیز تحلیل جنسیتی برنامه و توجه به رویکردهای جنستی توسعه مورد اهتمام سیاست‌گذاران اجتماعی قرار گرفته است. مسئله آسیب‌زا در این نکته است «از زمان حاکمیت رضاشاه و هژمونی گفتمان تجدد، به زنان به‌مثابه سوژه سیاست‌گذاری توجه شد، با تسلط گفتمان سنتی تعدیل شده نیز زنان در موقعیت سوژگی اما با پایگاهی متفاوت از قبل، قرار گرفتند و به همانسان در خرده‌گفتمانهای درون ابرگفتمان حاکم (در راستای تحولات صورت گرفته در اجتماع ایرانی) به جایگاه زنان توجه شده است. با گذر یک قرن از سوژگی زنان و چرخشهای گفتمانی در ساخت نظام معنایی جایگاه زنان و با توجه به مطالبات روزافزون آنان و بحثهای فراوان درگرفته در محافل و انجمنهای روشنفکری و برآمدن برخی پادگفتمانهایی همچون کارزار یک میلیون امضا (با استراتژیهای ساخت‌شکنانه)، اما هنوز عدالت جنسیتی در ایران نتوانسته است به‌مثابه یک گفتمان رسمی مطرح شود. شاید بتوان گفت که گفتمان عدالت جنسیتی هنوز در نطفه است و به همین دلیل است که آن‌طور که باید و شاید به عرصه عملی و سیاستهای اجرایی کشیده نشده است» (علی‌پور، ۱۳۹۶).

همان‌طور که تحلیل گفتمان عدالت جنسیتی در برنامه‌های توسعه نشان داد می‌توان یک خط سیر مشخصی از عدالت آموزشی به‌مثابه مدلول کم مناقشه تا عدالت سیاسی به‌مثابه مدلول پرمناقشه عدالت جنسیتی در برنامه‌های توسعه ترسیم کرد. یافته‌ها نشان داد که در نظام معنایی ابرگفتمان انقلاب اسلامی (سنتی تعدیل‌شده) آموزش زنان به دلیل خصلت کم‌مناقشه‌ای بودن آن موردتوجه بیشتری بوده است لذا مدلول عدالت آموزشی در سامانهٔ نشانگان معنایی عدالت جنسیتی در سیاست‌گذاری توسعه‌ای همه خرده‌گفتمانهای درون انقلاب اسلامی قرار گرفته است. بعد از تثبیت انقلاب اسلامی با هژمونی گفتمان سازندگی مدلول عدالت بهداشتی به‌مثابه یکی دیگر از مدلولهای کم مناقشه در سامانه نشانگانی عدالت جنسیتی در برنامه‌های توسعه

Archive of SID

www.SID.ir

راه یافت. اما وضعیت درباره مدلول عدالت اقتصادی، قدری متفاوت است. عدالت اقتصادی در دو گفتمان اعتدال و اصلاحات که رویکرد تساهل‌گرایانه‌ای در حوزه زنان نسبت به دو گفتمان دیگر دارند بیشتر موردتوجه بوده است. عدالت حقوقی از مدلولهای تنازع‌آمیز با ابرگفتمان حاکم و در موضع تنش با آن هست. آن فقط در گفتمان اصلاحات با تمام دلالتش در نظام برنامه‌ریزی قرار گرفت و برخی اصلاحات حقوقی کم‌دردسر در حوزه زنان نیز انجام شد، اما با تخاصم گفتمانهای رقیب و البته عدم همراهی ابرگفتمان حاکم، رویکرد تساهل‌گرایانه گفتمانِ اصلاحات نتوانست عدالت حقوقی را با تمام مؤلفه‌هایش به اجرا گذارد. با وجود تأسی گفتمان اعتدال از مطالبات ایجاد شده در خصوص اصلاحات حقوقی و لحاظ شدن عدالت حقوقی (هر چند با دلالت ناکاملش) در برنامه ششم، اما آن در سطح اجرا با تخاصم گفتمانهای غیررسمی اما ذی‌نفوذ مواجه و در سطح کلان کماکان محل مناقشه است. مدلول پرمناقشه‌ترِ عدالت جنسیتی، عدالت سیاسی به معنای دسترسی برابر زنان با مردان برای تصاحب مناصب حکومتی است با وجود اینکه گفتمان اعتدال، عدالت سیاسی (هر چند با دلالت ناکامل) را در نظام برنامه‌ریزی خود قرار داده ولی حضور بسیار کم‌رنگ زنان در مناصب حکومتی و عدم پیاده‌سازی نشانگان نظم گفتمانی و اعلام اینکه نگذاشتند وزیر زن انتخاب شود، می‌توان گفت که برای رسیدن به عدالت سیاسی در ایران راه بسیار دور و درازی مانده است.

پذیرش عدالت جنسیتی، با هدف توسعه، فراتر از پرداختن به اهمیت موضوع جنسیت (زنان) و توجه به آن در امور برنامه‌ریزی است، زیرا تا زمانیکه عدالت جنسیتی به‌صورت گفتمان رسمی در نیاید، تلاش برای تحقق آن، تلاشی بیهوده خواهد بود. اما با این وجود راه یافتن مدلولهای مرتبط با عدالت جنسیتی از طریق گفتمانهای کارگزار به برنامه‌ها و تأکید تصمیم‌سازان و برنامه‌ریزان بر تصریح دالهای شناور مغفول مانده و کشاندن آنها به متن برنامه بعدی نشانه امیدوار کننده‌ای از تأثیرپذیری برنامه‌ها از جهت‌گیریهای فکری و مطالباتی جامعه را بازنمایی می‌کنند. از سوی دیگر این نکته باید موردتوجه قرار گیرد که

Archive of SID

www.SID.ir

فمینیسم امروزه در جهان فقط یک جنبش اجتماعی نیست بلکه نوعی معرفت‌شناسی است که نظام معنایی جدیدی را برای مشارکت شهروندان در زندگی اجتماعی و نیز فرآیند توسعه پایدار بدون توجه به تمایزهای جنسیتی پدید آورده است. این نظام معرفتی با توجه به گسترش مهارناپذیر نظام ارتباطات، جهانی شده و به کشور ما نیز راه یافته و آثار چشمگیری بر مطالبات اجتماعی و سیاسی جامعه و زنان باقی گذاشته است. اما آنچه که باید در این میان بدان توجه داشت این است که تحقق خواسته‌ها و مطالبات زنان مستلزم دگرگونیهای گفتمانی ـ ایدئولوژیک است. با افزایش آگاهیهای زنان و به پیروی از آن، افزایش چشمگیر مطالبات زنان در طول دوره‌های مختلف و تشکیل نظامهای معنایی متفاوت از هویت زنانه، گفتمانهای سیاسی نیز با توجه به الزامات دموکراسی و حقوق شهروندی، باید معناهای متناسب از هویتهای شکل گرفته زنان در جامعه کنونی را در سامانه نشانگانی خود بگنجانند چه در غیر این صورت زنان به‌مثابه نیمی از جمعیت جامعه نظامهای معنایی آن گفتمانها را طرد کرده و جایگاه آنها را به زیر سؤال برده و متزلزل خواهند ساخت. به این دلیل که قدرت در بطن روابط و مناسبات وضع می‌شود ازاین‌رو می‌تواند در هر لحظه و در هر کنش و واکنش متقابلی مورد چون و چرا قرار بگیرد.

این خصلت، امکان گشودگی قدرت (گفتمان) در برابر بازتفسیر و بازنویسی را فراهم می‌آورد. نکته قابل تأمل دیگر در این میان این است که استمرار و بازتولید تنازعات گفتمانی در برخی عرصه‌های مهم از قبیل خانواده، مسئله حجاب، روابط زن و مرد و حقوق زنان برای نظم اجتماعی و یکپارچگی اجتماعی کارکرد منفی داشته و ممکن است در دراز مدت ضمن به چالش کشیدن نظام معنایی و هنجاری آنها، شکل‌گیری جنبش زنان در تخاصم با نظم اجتماعی حاکم را موجب شود. لذا لازم است گفتمانهای مختلف درون ابرگفتمان انقلاب اسلامی، فارغ از تنازع و تخاصمهای ارزشی، ضمن توجه به حقوق زنان در قوانین جاری کشور، ایجاد فرصتهای برابر زنان و مردان را در روندها و برنامه‌های توسعه‌ای جریان‌سازی کنند.

Archive of SID

www.SID.ir

- اینگلهارت، ر. و ولزل، ک. (۱۳۸۹). ***نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی*** (ترجمهٔ ی. احمدی). تهران: انتشارات کویر.
- بابائی، ر. (۱۳۸۸). ***میدان سیاسی در جمهوری اسلامی ایران: ظهور و افول گفتمانهای سیاسی***. رساله دکتری منتشرنشده، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- تاجیک، م. ر. (۱۳۸۳). ***گفتمان، پادگفتمان و سیاست***. تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- تاجیک، م. ر. (۱۳۹۶). ***نئواصلاح‌طلبی تز ادامه گفتمان دوم خرداد است***. دسترسی در تاریخ ۵ مرداد ۱۳۹۶، از سایت خبری دمادم.
- جلائی‌پور، ح. ر. (۱۳۹۲). ***جامعه‌شناسی ایران*** (جامعه کژمدرن). تهران: نشر علمی.
- رضائی، م. (۱۳۹۳). س***یاست اعتدال: مفهوم‌شناسی و دلالتهای آن در برنامه توسعه سیاسی***، در ا. حاجیانی (ویراستار)، رهیافتهایی بر گفتمان اعتدال). تهران: نشر نگاه معاصر.
- رضائی‌پناه، ا. و شوکتی‌مقرب، س. (۱۳۹٤). ***هویت، گفتمان و انتخابات در ایران (مبانی ایدئولوژیک انتخابات ۱۳۹۲)***. تهران: نشر توسعه پارسی.
- زاهدی، م. ج. (۱۳۸۲). ***توسعه و نابرابری***. تهران: انتشارات مازیار.
- زاهدی، م. ج. (۱۳۹۵). شکست برنامه‌های توسعه نتیجه نظام نامتعادل قدرت. ***مجموعه چکیده مقاله‌های سومین همایش کنکاشهای مفهومی و نظری درباره جامعه ایران***، تهران، انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- سلطانی، س. ع. ا. (۱۳۸۳). تحلیل گفتمانی ظهور و افول اصلاح‌طلبان. ***مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبائی***، ٦، ۱۷۹-۱۹۰.
- سلطانی، س. ع. ا. (۱۳۸٤). ***قدرت، گفتمان و زبان***. تهران: نشر نی.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۹٤). ***سند برنامه ششم توسعه اقتصادی***، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. تهران.
- شادی‌طلب، ژ. (۱۳۸۱). ***توسعه و چالشهای زنان ایران***. تهران: نشر قطره.
- علی‌پور، پ. (۱۳۹٦). ***تحلیل گفتمان عدالت جنسیتی در برنامه‌های پنجساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران***. رساله دکتری منتشرنشده، دانشگاه پیام نور، تهران.
- علی‌پور، پ.، زاهدی، م. ج.، ملکی، ا. و جوادی‌یگانه، م. ر. (۱۳۹٦). تحلیل گفتمان عدالت جنسیتی در برنامهٔ پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. ***فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران***، ۲، ۲۰۳-۲۲۹.
- فوکو، م. (۱۳۹۰). ***تولد زیست سیاست: درس گفتارهای کلژدوفرانس ۱۹۷۸-۱۹۷۹*** (ترجمهٔ ر. نجف‌زاده). تهران: نشر نی.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳٦۸-۱۳۹٤). ***قانون برنامه پنجساله اول، دوم،***

Archive of SID
www.SID.ir

سوم، چهارم، پنجم و ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.

- گیدنز، آ. (۱۳۸٦). ***راه سوم: بازسازی سوسیال دموکراسی*** (ترجمهٔ م. صبوری کاشانی). تهران: نشر شیرازه.

- لاکلو، ا. و موفه، ش. (۱۳۹۳). ***هژمونی و استراتژی سوسیالیستی (به سوی سیاست دموکراتیک رادیکال)*** (ترجمهٔ م. رضایی). تهران: نشر ثالث.

- لیس تورس، آ. و روزاریو، ر. د. (۱۳۷۵). ***جنسیت و توسعه*** (ترجمهٔ ج. یوسفیان). تهران انتشارات هدی.

- مالوتره، آ. و همکاران (۱۳۸۹). ***توانمندی زنان به‌عنوان یک متغیر در توسعهٔ بین‌المللی*** (ترجمهٔ ه. مداح و ف. محمدی). در ا. خاتم (ویراستار)، توانمندی زنان نقدی بر رویکردهای رایج توسعه (۱۵۱–۲۱۸). تهران: نشر آگه.

- نوذری، ح. (۱۳۹٤). ***گفتمانی دیگر از توسعه در ایران بر اساس تجربه‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی***. تهران: انتشارات دانشگاه خوارزمی.

- یورگنسن، م. و فیلیپس، ل. (۱۳۹٤). ***نظریه و روش در تحلیل گفتمان*** (ترجمهٔ ه. جلیلی). تهران: نشر نی.

- Bourdieu, P. (1991). ***Language and Symbolic Power (Trans. by G. Raymond & M. Adamson)***. Cambridge: Polity Press in association with Basil Blackwell.

- De Saussure, F. (2001) [1916]. ***Cours in Literary Theory: An Anthology***. Oxford: Blackwell Publishers.

- Fairclough, N. (1995). ***Critical Discourse Analysis: The Critical Study of Language.*** London: Longman.

- Foucault, Michel (1969), the Archaeology of Knowledge and the Discourse on Language, New York: Harper Colophon.

- Habermas, J. (1987). ***The Theory of Communicative Action (Trans. by T. McCarthy & J. Haynes)***. Cambridge: Polity Press.

- Inglehart, R. & Norris, P. (2002). ***Islamic culture and Democracy: testing the Clash of Civilization Thesis***. Comparative Sociology, 1, 235-264.

- Kabeer, N. (2010). ***Gender equality and women's empowerment: A critical analysis of the third millennium development goal 1***. Gender & Development, 13(1), 13-24, DOI: 10.1080/13552070512331332273.

- Laclau, E. & Mouffe, Ch. (1985). ***Hegemony and Socialist Strategy***: ***Towards a Radical Democratic Politics.*** London: Verso.

Archive of SID

www.SID.ir

- Lazar, M. M. (2007). ***Feminist critical discourse analysis (Gender, power, ideology in discourse).*** London: Palgrave Macmillan Ltd.

- Rawls, J. (1999). ***A Theory of Justice (2nd ed.).*** Harvard: UP.

- Reeves, H. & Baden, S. (2000). ***Gender and Development: Concepts and Definitions.*** Brighton: Institute of Development Studies, University of Sussex, Brighton BN1 9RE.

- Ritzer, G. (2011). ***Sociological Theory.*** New York: McGraw- Hill.

- Sen, A. (2001). ***Development as freedom (2nd ed.)***. Oxford: Oxford University.

- Torfing, J. (1999). ***New Theories of Discourse: Laclau, Mouffe, Zizek***. Oxford: Blackwell.

- Verloo, M. & Lombardo, E. (2007). ***Contested gender equality and policy variety in Europe: Introducing a critical frame analysis approach***. In Multiple Meanings of Gender Equality, A critical frame analysis of gender policies in Europe , Edited by Mieke Verloo, central European University Press..

- Wittgenstein, L. (2001) [1953]. ***Philosophical Investigations.*** Oxford: Blackwell Publishing.

- World Economic Forum (2016). ***The Global Gender Gap Report.***

Archive of SID

www.SID.ir